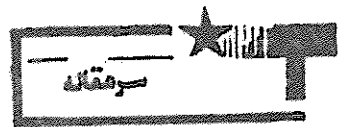


## اخبار عملیات پیشمرگان فدائی

صفحه ۳



جرا باید درگیرها قطع کردند؟  
گزه اصلی کجاست؟

ارامه بلا انقطاع درگیرهای  
حزب دمکرات و کومه له و وضعیت  
ناشی از آنها و بخصوص عدم  
وجود نشانه های قابل اعتنایی از  
اتصالات لازم در جهت قطع این  
درگیرها، طرح مجدد آن اصول  
و ضروریاتی را که قطع فوری و  
بدون قید و شرط این درگیرها  
را الزامی می سازد، ضروری  
است. مسلماً بدون یک برخورد  
اصولی با الزاماتی که قطع  
این درگیرها را به یک امر  
عاجل و فوری در شرایط  
کنونی مبدل ساخته است،  
نمی توان گام معینی نیز در  
جهت انجام چنین هدفی  
برداشت. درست در یک چنین  
شرایطی است که حوادث بر هر  
چیز پیشی خواهند گرفت و راه  
هرگونه برخورد آگاهانه و هدفمند  
به مسائل را صردود خواهند کرد.

این که امروز دیگر بر هیچ  
کس پوشیده نیست که این درگیرها  
باید خاتمه پیدا کنند، کافی  
نیست. امروز باید این واقعیت  
در صفحه ۲

### ۲۸ مرداد فصل مشترک دور رژیم در سرکوب نوده ها!

بیست و هشتم مرداد ماه،  
در تاریخ اخیر ایران، و بعد از  
سالهای ۳۲، همواره پسادآور  
خاطرات تلخ کودتای  
اصوبالیستی و تنگین شاه، و  
خیانت های حزب اپورتونیست و  
پیرچم سفید نوده، بوده است.  
روزی که رفرمیست های سازشکار  
نوده ای، به رغم اطلاع از کودتای  
شاه، با تسلیم طلبی خودراه را  
برای کودتا چیان هموار کرده  
و عملاً در بخون کشیده شدن  
نوده ها و انقلابیون، شریک  
شدند. فرست طلبان نوده های  
در صفحه ۱۱

### انتخابات ریاست جمهوری نمایش

نفسه زبون رژیم  
انتخابات ریاست جمهوری دور  
جمهوری اسلامی در روز ۲۵  
مرداد ماه و در میان تحریم  
گسترده نوده های زحمتکش سرزمین  
ایران برگزار گردید و یکبار دیگر  
مجلسه ای را که دیگر هیچ  
بودن و قلبی بودن آن بر  
هیچکس پوشیده نیست به  
نمایش گذاشت. انتخاباتی که  
برنده آن از قبل تعیین  
شده بود و به مقامی که می باید  
انتخاب می گردید. آنتاب گشته  
در صفحه ۱۰

## در زمینهای مبارزه و کوشش جنگ ادای تکلیف میات!

کمیته مرکزی کومه له  
در تیرماه گذشته ضمن  
اعلام برگزاری پانجم  
خود، دو صند در مورد  
درگیری های کنونی خود  
با حزب دمکرات را منتشر  
ساخت که در برگیرنده  
دیدگاه ها و آخرین راجع  
مورد نظر این سازمان  
می باشد. نگاهی به  
استاد این پانجم چه  
در زمینه تحلیل کومه له  
از جنگ کنونی بین  
پیشمرگان خود با حزب  
دمکرات، وجه در زمینه  
راه حلی که برای  
تنظیم مناسبات با حزب  
دمکرات ارائه نموده  
است، در عین هر چه  
روشن تر نمودن مواضع  
کنونی کومه له، نشود  
ببرخورد کومه له به  
مبائل در برهه کنونی  
را نیز صراحت هر چه  
بیشتری می بخشد.  
کومه له در این  
استاد، جدا از بیان  
جدیدی از راه حل خود  
برای قطع درگیری ها،  
تحلیل خالص خود از  
درگیری های کنونی و  
وضعیت و ضروریات  
در صفحه ۵

### در صفحات دیگر:



اخبار جنبش نوده ای  
صفحه ۱۳

انقلاب مشروطیت و  
مستاورده های آن  
صفحه ۲۲

چرا باید درگیرها قطع گردند؟ ...

از صفحه ۱

قبل از همه روشن شود که چرا باید این درگیرها قطع گردند و بر چه اساسی و چه چیزهای می باید در آینده و در مرحله کنونی مبارزه زمینه بروز چنین درگیرهایی را محدود سازد.

بدون تردید آنچه که امروز قطع این درگیرها را ضروری ساخته است، چنین جز الزامات عینی و عطفی جنبش کنونی نیست که ادامه این درگیرها فضای بارونند روبه رشد این و آنرا در جهت مخالف آن است. جنبش انقلابی خلق کرد امروز پیش از همیشه به اتحاد عمل و یکپارچگی درونی، خورش نیازمند است تا در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی پیش از همیشه در صدامسیر ایران با بن بست مطلق در تمامی زمینه ها روبرو گشته است، بتواند نقش خود را در مبارزات خلتهای صراسر ایران علیه این رژیم سرتج و بحران زده، ایفا نموده و تداوم هرچه قدرتمند مبارزه کنونی را تضمین نماید. روندی که درگیرهای کنونی گامها در جهت عکس آن عمل نموده، روز به روز با تشدید اختلافات درونی نیروهای سیاسی و دامن زدن به درگیرهای خونین فیما بین آنها از قدرت رسمی جنبش می گاهد، ویلاس و انفعال را در سطح جنبش دامن زده، بدون درک اهمیت و ضرورت مقابله همه جانبه با تلاش های مذبحخانه کنونی رژیم که صلا "تایج و تاثيرات آن صرفاً محدود به شرایط حاکم نخواهد گشت، ادامه وضعیت متشنج کنونی را ناگزیر می سازد.

بنا بر این ضرورت مبارزه کنونی و تلاش در جهت تحقق اهداف پیروزوند آن، قطع فوری این درگیرها را طلب می نمود. اساس چنین ضرورتی را آن مبانی اولیه مبارزه کنونی تشکیل می دهد که می توانست و می باید بعنوان وجوه اشتراک در میان نیروهای سیاسی در نظر گرفته شده، و بر اساس چنین وجوه اشتراکی که هم اینک وجود دارد می توان

به درگیری فیما بین نیروها در کردستان پایان داد. این امر به مفهوم عدم وجود اختلافات اساسی و محلی فیما بین نیروهای سیاسی نیست و نمی تواند باشد. متسا راه پیشبرد این اختلافات ال-زاسا نهمل به اسلحد نیست. تا زمانی که مبارزه مشترک حتی در خطوط کلی آن نیز وجود داشته باشد، امکان همزستی صالمت آید. نیز وجود دارد، مس-توران نقت نه درگیریهای کنونی درحقیقت محصول عدم نعتسا به چنین فضای دمکراتیکی و نتیجه اعمال سیاست های غیراصولی و ضد دمکراتیک در برخورد به اختلافات فیما بین نیروهای سیاسی در کردستان است.

از همین رو و با درک اهمیت پاسخ روشن به این ضرورت است که می توان گفت باید درگیرهای کنونی قطع گردیده و جای خود را به فضای دمکراتیکی در مناسبات فیما بین نیروهای سیاسی بدهند که منطبق بر ضمیمین و اهداف جنبش انقلابی خلق کرد و چشم اندازهای پیروزوند آن باشد.

بنابراین امروزه هر آن نیرویی که به زیانبار بودن این درگیرها اذعان داشته باشد، باید در عمل این اعتقاد خود را آشکار ساخته، با محکوم ساختن عامل تداوم درگیرهای کنونی، کلع عطفی در جهت پایان دادن به آنها بردارد.

اما گره کور این درگیرها کجاست و چه چیزی سد راه قطع این درگیرهاست؟ جدا از تمامی عوامل اولیه موجود پتان درگیرها که بشرات در مورد آن سخن گفته شده است، امروز آن عامل اصلی که ادامه این درگیرها را میسر ساخته و تداوم آنها پافشاری نموده است و سد راه رسیدن به یک آتش بس فوری گشته است، برخورد ضد دمکراتیک حزب دمکرات به مناسبات فیما بین نیروهای سیاسی در کردستان و در وجه مشخص آن اشتغال این حزب از پذیرش آتش بس بدون قید و شرط بوده و هست. حزب دمکرات با ادامه چنین سیاستی در قبال نه تنها درگیرهای خود، کومه له که بیان خود را در همان شروط حزب دمکرات پیدا می کند، بلکه کلیه نیروهای انقلابی که حاضر به گردن نهادن

بر تحمیلات ضد دمکراتیک حزب دمکرات نیستند، صلا "و علنا" آزادی فعالیت سیاسی - نظامی در کردستان را تهدید می کند. سیاستی که امروز حزب دمکرات در این زمینه در پیش گرفته است در تحلیل نهائی بدون تردید عملاً تنها در خدمت اهداف رژیم در کردستان قرار خواهد گرفت و حزب دمکرات را پیش از پیش ضزری خواهد نمود.

صلا "تنها برای آن دسته از نیروهایی که درک روشنی از برنااه و اهداف حزب دمکرات در جنبش کنونی نداشته باشند، در پیش گرفتن چنین سیاست هایی از سوی حزب دمکرات غیر ضرر قبه خواهد بود. ولی سیاست امروز حزب دمکرات در قبال نیروهای انقلابی و از جمله درگیرهای کنونی هیچ تفاوت ماهوی با سیاست حضور او در شورای ملی مقاومت و قبول برنام خود مختاری آن ندارد. دمکراسی حزب دمکرات محدودیت طبقاتی معین خود را دارد. ولی تا زمانی که حزب دمکرات دستاوردهای دمکراتیک و انقلابی جنبش کنونی را پایمال نکرده، عملاً در جنبش کنونی و در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، کام بردارد، مسلم است که دانستن مناسبات سیاسی متقابل میان امکان پذیر هست و اختلافات با حزب دمکرات در هر سطح و کیفیتی که باشد، می تواند بر بستری مبارزه سیاسی صالمت امروز به پیش برده شود. این است آنچه که در درخواست آتش بس فوری و بدون قید و شرط نهفته است و حزب دمکرات با عدم پذیرش آن درحقیقت در صدد تیرا گذاشتن منافع و الزامات جنبش کنونی، با هر چشم انداز مهمنی از قبیل مذاکره با رژیم وغیره است.

از این رو طرح و پیشبرد شمار آتش بس بدون قید و شرط آن شمار اصولی در تمامی طول درگیرهای حاضر بوده و هست که از یک سو، ضرورت قطع فوری درگیرهای حزب دمکرات و کومه له را و از سوی دیگر ضرورت بودن هرگونه قید و شرطی برای حصول به قطع درگیرها را در بر می گیرد. و در عین حال آن شرایط دمکراتیکی را در صد نظر دارد که بر بنیان پذیرش چنین آتش بسی می باید

## عملیات پیشمرگان فدایی

عملیات تهاجمی پیشمرگان فدایی علیه پایگاه "کانسی" در منطقه بانسه

روز ۲۹ تیرماه، پیشمرگان فدایی طبق یک طرح حساب شده عملیاتی، با استقرار در نزدیکترین مواضع مسلط بر پایگاه "کانسی" ضربات خردکننده‌ای بر آن وارد آوردند. طی این عملیات غافلگیرانه، ابتدا در اثر شلیک بی‌دری چند راکت آرمی. جی توسط پیشمرگان فدایی، ضمن وارد آمدن ضایعاتی به دشمن، بخشی از تاسیسات این پایگاه به آتش کشیده شد که تا ساعتها پیر از نید شب نیز شعله‌های آن از مسافت دور دیده می‌شد.

این حمله برق‌آسا مزدوران رژیم را هراسان نموده و آنها را به تکلیف واداشت. در همین حال شدت آتش مسلسل‌های یک دسته دیگر از پیشمرگه‌های فدایی، تا تسلیق پایانی عملیات ایگان هرگونه ترمک و تکران عملیاتی را از مزدوران رژیم سلب نمود.

در این عملیات که نزدیک به نیم ساعت بطول انجامید، ضمن تخریب بخشی از پایگاه "کانسی" تعدادی از مزدوران مستقر در آن به هلاکت رسیدند.

مزدوران مستقر در پایگاههای اطراف به حوض اطلاع از عملیات پیشمرگان فدایی، به مدت یک ساعت با سلاحهای خنجره‌انداز، دوشک، آرمی. جی و قسامه به آتشباری در اطراف پایگاهها دست زدند. شدت آتش موزی ناشی از حمله پیشمرگان فدایی به این پایگاه به حدی بود که شعله‌های آن تا ساعتها بعد از نیمه شب نیز همچنان زبانه می‌کشید.

در این عملیات موفقیت‌آمیز هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیامد و عمق در میان استقبال گرم و پر شور مردم سالم به قرارگاههای خود بازگشتند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
 کمیته کردستان  
 ۲/ مرداد / ۱۴

طی یک عملیات تعرضی پیشمرگان فدایی پایگاه "برده دولت" در منطقه بانسه درهم کوبیده شد

روز ۱۲ مرداد ماه دسته‌ای از پیشمرگان فدایی با طرحی دقیق و از پیش تعیین شده، پایگاه "برده دولت" در کنار جاده آرسره - گرمسار را مورد تهاجم قهرمانانه قرار داده و زیر آتش سلاحهای خود گرفتند. پیشمرگان فدایی را در ساعت ۱۲ شب با استقرار در نقاط مختلف مسلط بر پایگاه مزدوران با شلیک آرمی. جی عملیات خود را علیه مزدوران سرکوبگر آغاز کردند. در نخستین لحظات عملیات شکرهای نگهبانسی مزدوران پایگاه با آتش سلاحهای پیشمرگان فدایی که از فاصله نزدیک آنها را هدف گرفته بودند درهم کوبیده شد.

فروش سلاحهای پیشمرگان فدایی همراه با طنین شعارهای انقلابی و فریادهای درود بر فدائی، مرکز پر رژیم جمهوری اسلامی سکوت شب را شکسته و لوله ترک در میان آنان انداخت.

مزدوران رژیم در حالیکه بکسی غافلگیر شده بودند، آنگاه سرگوند و گشتی را از دست داده و در زیر رگبار کوبنده سلاح فدایی پیشمرگان فدائی، وحشت زده و بی هدف به این سوی و آن سوی پایگاه می‌دویدند و وحشت و هراس خود را به نمایش می‌گذاشتند.

طی این عملیات قهرمانانه که حدود نیم ساعت بطول انجامید، تعداد زیادی از نیروهای سرکوبگر به هلاکت رسیده و یا زخمی شدند. مزدوران رژیم تنها در لحظات پایانی عملیات امکان عکس‌المصل یافتند و شروع به شلیک بی هدف آرمی. جی، کالیبر ۵۰ و نیز خنجره‌باران شدید منطقه نمودند و این در حالی بود که پیشمرگان فدائی بعد از انجام موفقیت‌آمیز عملیات همگی سالم منطقه را ترک می‌کردند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
 کمیته کردستان  
 ۱۵/ مرداد / ۱۴

طی تعرض جسورانه پیشمرگان فدائی  
قسمتی از تاسیسات پایگاه "بنجی" در منطقه  
بانه منهدم شد و تعدادی از مزدوران مستقر  
در پایگاه به هلاکت رسیدند.

روز ۱۶ مرداد ماه ۱۳۶۴، پیشمرگان فدائی،  
با شناختی دقیق و طبق یک طرح عملیاتی، مزدوران  
مستقر در پایگاه "بنجی" را مورد تعرض شدید قرار دادند.  
در این عملیات جسورانه پیشمرگان فدائی، پس از  
استقرار در مواضع مسلط بر پایگاه، در ساعت ۷ بعد از  
ظهر، با شلیک موشک‌های آر.بی. جی ۷ پایگاه  
مزدوران را به زیر آتش گرفتند و با سرعتی برق‌آسا  
قدرت هرگونه عکس‌العملی را از آنان سلب نمودند.  
پاسداران سرکوبگر رژیم که تا قبل از آغاز  
عملیات، در پناه استحکامات نظامی خود انتظار لیسن  
حمله غافلگیرانه را نداشتند در زیر آتش رگبار  
سلاح‌های پیشمرگان فدائی امکان هرگونه تحرکی را  
از دست دادند.

پیشمرگان فدائی به مدت نیم ساعت درحالی‌که با  
رگبار بی‌امان خود قلب مزدوران را نشانه می‌رفتند، با  
کنترل دقیق حرکات داخل پایگاه، وفق شدند ضربات  
خردکننده‌ای بر آن وارد آوردند.

در این عملیات ضمن به هلاکت رسیدن تعدادی از  
مزدوران سرکوبگر، تسهیلاتی از پایگاه منجمه تاسیسات  
آن در اثر آتش سلاح‌های پیشمرگان و اصابت موشک  
آر.بی. جی منهدم گشته و در آتش سوخت.

پس از پایان این عملیات ضربتی، درحالی‌که  
پیشمرگان فدائی، سرافرازانه و به سلامت منطقه عملیات را  
ترک می‌کردند مزدوران فرصت آنرا یافتند که بی‌هدف  
بدون آن که مسیر عقب‌نشینی پیشمرگان را تشخیص داده  
باشند منطقه را با شلیک آر.بی. جی، خمپاره، کالیبر ۵۰،  
دوشکه و تیربار قلمبه به زیر آتش گرفتند. وحشت و هراس  
مزدوران به حدی بود که ساعتها پس از عملیات و تانهای  
از شب از اقدام جنون‌آمیز خود دست برنداشتند و با  
شلیک خمپاره‌های منور و روشن ساختن تمامی اطراف  
پایگاه وحشت خود را از حدنه مجدد پیشمرگان به نمایش  
گذازدند. طی این عملیات، هیچگونه آسیبی به پیشمرگان  
فدائی وارد نیامد و درحین بازگشت مورد استقبال  
صمیمانه مردم منطقه قرار گرفتند.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران  
کینه گردستان

۱۲/ مرداد/ ۶۴

پیشمرگان فدائی

با به کنترل درآوردن جاده "آرمزده" -  
پایگاه "پایگاه مازویند" را زیر آتش  
سلاح‌های خود گرفتند!

روز چهاردهم مرداد ماه، چند دسته از  
پیشمرگان فدائی طی یک سلسله عملیات تعرضی  
بهیم پیوسته، ضربات کوبنده‌ای را به نیروهای  
سرکوبگر رژیم در کردستان وارد ساختند.

پیشمرگان فدائی در قسمتی از عملیات  
خود، بعد از قطع سیم‌های شبکه ارتباطی میان  
پایگاه‌های واقع در محور جاده آرمزده بلکه در  
منطقه بانه، در ساعت ۳۰/۵ دقیقه بعد از ظهر  
جاده مذکور را تحت کنترل خود درآوردند و ب  
بازرسی انجمن‌هایی که در این جاده در نورد  
بودند دست زدند.

پیشمرگان فدائی، همزمان با این اقدام  
جسورانه که حدود ۲ ساعت بطول انجامید، ضمن  
سخنرانی برای مسافران، با پخش نشریات و  
اعلامیه به تبلیغ اهداف و برنامه سازمان  
مبادرت ورزیدند.

در آخرین لحظات پایانی کار توضیحی رفقای  
مستقر در جاده، "پایگاه مازویند" که محل استقرار  
تعدادی از مزدوران رژیم است، طی دو حمله  
جسورانه توسط پیشمرگان فدائی محاصره، و  
به زیر آتش گرفته شد.

در این عملیات جسورانه، چند سنگر دیدبانی  
مزدوران و نیز مرکز استقرار گروه تانمین پایگاه  
درهم کوبیده شد. و تعدادی از مزدوران سرکوبگر  
رژیم به هلاکت رسیدند.

بعد از خاتمه عملیات، دشمن سراسیمه  
دست به خمپاره باران بی هدف منطقه زده، دیوانه  
- وار تمامی منطقه را زیر آتش شدید خود گرفتند  
که هیچگونه صدمه‌ای به مردم زحمتکش منطقه و  
پیشمرگان دلیر فدائی وارد نیامد.

پیشمرگان فدائی بعد از انجام این سلسله  
تعرضات جسورانه همگی سالم به محل‌های قرار  
خود بازگشتند.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران  
کینه گردستان

۱۲/ مرداد/ ۶۴

ارصفحه ۱

## درگیری های حزب و کومه له

### جنگ ادامه کدام سیاستها؟

جنبش کنونی را نیز عرضه نموده است، اما در همین زمینه نیز با ارائه مبانی نظری خاص خود، به تنها چیزی که نبردخته است، ریشه یابی عمیق درگیریها، علت تداوم آنها، و برخورد مشخص به ضرورت قطع فوری آنها از نقطه نظر ضروریات عینی و عملی جنبش است. کومه له یکبار دیگر آشکار ساخته است که تا چه حد از درک عمیق و عینی و فلسفه سطحی، الزامات جنبش انقلابی، خلاق کرد و روند رشد درونی آن عاجز است ( امری که دیگر بیانگر مشخصه ذاتی کومه له گشته است)، چقدر معادلات عینی جنبش را در معادلات ذهنی خود و امور واقعی را در تصورات و تخیلات شیرین خود تحلیل می برد. و از همین رو نیز سیاست عملی خود را نه از تحلیل مسائل عینی، بلکه از داده های فرضی خود نتیجه می گیرد.

نگاهی به اماند پلنوم روشن می سازد که کومه له در ادامه جنبش رونیستی و در کارست جنبش شیوه برخوردی چگونه از یک سو از "تعمیق صرف بندی طبقاتی در جنبش سخن می گوید و در عدم توانایی تحلیل این "تعمیق" آنها از "بسط و تعمیق فعالیت حزب" خود نتیجه می گیرد، بدون آنکه قادر باشد محصول عینی و عملی این "بسط و تعمیق" را در عناصر مادی معینی در جنبش کنونی، جز در انعکاس روانشناختی آن یعنی در "نگرانی" حزب دمکرات، آشکار سازد. و در ادامه جنبش درکی از تعمیق در صرف بندی طبقاتی جنبش هم هست که کومه له عامل پیشرونده آن را فعالیت افشاگرانه خود از طریق "زیر سوال بردن سیاست های حزب دمکرات می داند و نه این یا آن اقدام طبقاتی معین و درست از همین

رو نیز این یا آن تمایل خود با فلان گرایش حزب دمکرات را عین رهبری تمایل طبقاتی عصب صرف بندی طبقاتی مورد نظر خود و نتایج حاصل از آن محسوب می دارد. طبیعی است که از چنین نقطه نظری خود را محور و قطب اصلی جنبش تعمیقی بیندازد و از پیرداختن بسط و اقصیات جنبش طفره رود. بدون آنکه قادر باشد حتی یک مورد از تئورات جنبش تعمیقی را که صلبا بیان عینی و عملی خود را در مبارزه کنونی باید داشته باشد، عرضه نماید. جز همین درگیری های خود با حزب دمکرات که صلبا نه محصول تعمیق و رشد درونی جنبش و خلقت پیشین از آن، بلکه عامل بازدارنده آن در شرایط کنونی نیز هست. و در شرایط فقدان یک صرف بندی واقعی و نه خیالی کومه له، عملا جنبش کنونی را به سوی تحمیل ضوابط مصلحتی نیز سوق می دهد. درگیری هایی که اینک بیش از هفت ماه است همچنان ادامه دارد و جز در یک ماهه اخیر، در طول شش ماه گذشته شدت ادامه داشته است و امسکانات و پتانسیل درونی هر دو نیرو را به خود مشغول داشته و تأثیرات مهمی را در کاهش قدرت تهاجمی پیشمرگان خلق کرد. برجای گذاشته است، و بعنوان یک گره گاه اصلی در روند کنونی جنبش انقلابی خلق کرد مطرح بوده و هست.

در طول هفت ماه گذشته، علاوه بر خود این درگیری ها، چگونگی برخورد با آنها، و تلاش در جهت پایان دادن به آنها و موضعگیری در قبال آنها یکی از مهم ترین مسائل در سطح جنبش انقلابی خلق کرد بوده و هست که صورت پلنوم اخیر کومه له نیز بعنوان آخرین

مواقع این نیرو از این نقطه نظر که حاوی چه برخورد معینی به این درگیری هست حائز اهمیت است.

از این نقطه نظر یعنی چگونگی برخورد به ریشه یابی درگیری ها و ارائه راه حل برای آنها نیز هست که چرخش اخیر در طرح پیشنهادی پلنوم کومه له در برخورد به تنظیم ضابطه های سیاسی با حزب دمکرات کاملا قابل تأمل است. کومه له قبلا خواستار آن بود که "آتش بر بدون قید و شرط برقرار شود و توافقاتی بیسند طرفین" در زمینه های اصلی مورد اختلاف به امضاء رسانیده یا تعهداتی از جانب "طرفین" در این زمینه صورت گیرد.

(پیشورد شماره ۷) اما امروز در پلنوم خود شکل بیان خود را تغییر داده، همان اصول را به صورت مطالبات جنبه خود با حزب دمکرات در آورده و اعلام داشته است که:

"برای تنظیم و حفظ مناسبات سیاسی و جلوگیری از درگیری های فیما بین، ضروری است که حزب دمکرات موارد زیرین را رسما پذیرفته و اجرای عملی آنها را تعهد نماید."

(چند سند از پلنوم کمیته مرکزی کومه له صفحه ۱۰ تاکید از ص ۱)

و سپس سه اصل پیشنهادی سابق خود را بصورت سه شرط "برای جلوگیری از درگیری ها" با حزب دمکرات و بعنوان مسائلی که باید حزب دمکرات تعهد رسمی جهت "اجرای عملی" آنها را به کومه له بپردازد، مطرح ساخته است و انگاه اساسی خود را برای امضای "توافقنامه های لازم با حزب دمکرات" در این زمینه اعلام داشته است.

کمیته مرکزی کومه له در پایان از توده های زحمتکش و مبارز کردستان و نیز از همه نیروهای سیاسی طرفدار آزادی و انقلاب خواسته است که:

"حزب دمکرات را بصورت قبول آتش بر بدون قید و شرط و نیز قبول تعهدات فوق تحت

### رهبری طبقه کارگر

فصلی از پیروزی مبارزانه استندالین در روسیه - تاسکاتیک خلق وای ایران است

# درگیریهای حزب و ...

فشار بگذارند.  
( همانجا صفحه ۱ تاکید ازما )

لیسن شیوه برخورد به ماله آنش برین اصولی که می باید بر مبنای آنها مناسبات سیاسی فی مابین نیروها تنظیم گردد، کمکان در شیوه برخورد همسان برخورد حزب دمکرات را مدلسی می کند که خواستار تعهدات لازم یعنی تسلیم بی قید و شرط کومه له و اعضای توافقنامه های لازم در زمینه نفی دیدگاههای خود و تسلیم دست بسته به رهبری حزب دمکرات بود. امروز نیز کومه له از حزب دمکرات می خواهد که "تعهد" را "رضا" پذیرد و "تعهدات" را "رضای" بپذیرد و به کومه له اطلاع بدهد تنها توافقنامه های لازم را با او امضا نماید. کومه له با این شکل و شیوه برخورد حقیقت هرگونه اصول مورد نظری را نیز خنثی می سازد و در عمل قبل از همه ادامه درگیریها را قطعی می سازد تا راهی برای پایان دادن به درگیری ها بکشاید.

این برخورد کومه له و شیوه حاکم بر آن صلباً ریشه در چگونگی برخورد کومه له به علل و سابقه درگیریهای کنونی و مسائل اساسی این درگیریها دارد. که نگاهی به مند دیگری از همین پلنوم محتوای واقعی این موضعگیری و دیدگاه حاکم بر آن را هرچه بیشتر روشن خواهد ساخت.

کومه له در بخشی از قطعنامه مربوط به "جنگ جاری میان کومه له و حزب دمکرات" دلایل طرح شعار آنش برین بدون قید و شرط از سوی خود را چنین فرموله می کند:

"از آنجا که ما به حقایق و انطباق کامل برنامه سیاستها، و شعارهای خود با مصالح جنبش خلق کرد، اعتقاد تام داریم، لذا خواهان قطع جنگ و پیشبرد سیاسی و مسالمت آمیز مناسبات و مبارزه سیاسی بین احزاب سیاسی در کردستان هستیم."

( همانجا صفحه ۶ تاکید ازما )

همین استدلال کومه له بخوبی روشن می سازد که مبنای طرح شعار آنش برین نظری برای کومه له چیست؟ مناسبات جنبش انقلابی در کردستان و یا "افتقاد تام" کومه له به "انطباق کامل" سیاستهای او بر "اصول جنبش خلق کرد"؟ در حقیقت کومه له به روشنی در این گفتار آشکار ساخته است که نقطه عزیمت او همان "افتقاد تام" او به "انطباق کامل" سیاستها و شعارهای خود او بر مصالح جنبش است، تا مصالح جنبش و همانطور که خود نیز در عبارت ذمیمه استدلال خود در مورد آنش برین و قطع درگیریها افزوده است، تنها، وضیعت ناشی از همین افتقاد اولیه او را استنتاج سیاسی حاصله از آن است که "به نفع جنبش انقلابی خلق کرد در کردستان و

درگیری های حزب دمکرات و کومه له نه محصول تعمیق و رشد درونی جنبش و وحدت بیشتر آن؛ بلکه عامل اصلی بازآرتونده آن، در شرایط کنونی نیز هست. در شرایط فقدان یک صف بندی واقعی و نه خیالی کومه له، عملاً جنبش کنونی را به سبب حاصل ضررهای مهلکی نیز مستحق می دهد.

مصالح انقلاب در سراسر ایران است.

هرتواضع جدی دارد ولی تواضع کومه له دیگر جای خاست خود دارد که در پی حد و مرزی، روی دست هر جریان و هر کسی زده است. کومه له در چنین برخوردی در حقیقت آن ریشه اصلی سیاست های خود را در دست گرفته است که مبنای آن را جایگزینی کومه له و مصالح آن، با هرگونه پاراشوت موجود در جنبش تشکیل می دهند. این انطباق برنامه و سیاست کومه له با مصالح جنبش است و این افتقاد تام و تمام کومه له به چنین انطباقی است که آنش برین را ضروری ساخته است. نه ضرورت مبارزه کنونی و نه حقیقت عموسی جنبش. در معادلات کومه له همیشه منافع و اهداف جنبش و نوده ها جای خود را با منافع و اهداف کومه له تعویض نموده است و در یک کلام هرگونه حقیقت خود را به کومه له تفویض نموده است، امری که کومه له ابرار را

به زور هم شده آن را برهمنان بقدر آید. طبیعی است که کومه له در چگونگی حصول به قطع درگیریها هم این شیوه را به کار گرفته و تنها راه انتقال سیاست برای پایان دادن به درگیریها را نیز از همین تبدیل به امرن خنثی، نتیجه گیری نماید. گوش کنید.

"لذا در وضیعت فعلی تنها راه انقلابی برای خاتمه دادن به جنگ جاری عبارت است از شکست سیاستها و اهداف سیاسی ضد انقلابی حزب دمکرات از طریق کسب پیروزی در جنگ جاری."

( همانجا صفحه ۷ تاکید ازما )

بی جهت نیست که کومه له با فراموش کردن نقش سیاستهای خود در ایجاد وضیعت کنونی، تمام هم و غم خود را به کار گرفته است که بیشترین بهره برداری از جنگ کنونی را ناشی به قیمت اداسه ناگزیر و بلا انتخاب وضیعت کنونی هم شده، با نفع برنامه سیاستها و شعارها و "خود بنماید" برای کومه له به هیچ وجه احساسات و حیات جنبش کنونی به عنوان ستر اصلی پیشرفت هرگونه برنامه و شعار و سیاست درستی، درگیریهای حاضر آن را بسبب مخاطره انداخته است. اهمیت و ارتباط چندانی با تداوم جنبش کنونی ندارد. در شیوه برخورد کومه له خود او محور تمامی تحولات در جنبش کنونی و عین مناسبات و اهداف آن است. قطعاً این درگیریها تنها زمان مطالبی است که پیشروزی خود کومه له بر حزب دمکرات از طریق "مناطد کردن حسی" دمکرات به "ناخوانی" خود، از "حقیق نظامی" بدست آمده باشد. برای همین هم کومه له نیازی به این یا آن برخورد سیاسی و امر سیاسی و توده ای ندارد. در سیاست کومه له توده ها همیشه غایب اند و تنها در شعارها و ادعاهای او حضور دارند. کومه له نارود نیست همیشه جانشین بالفعل توده ها است. این است رمز تمامی سیاست های آنش برین و خودشانسی - های دور و دراز کومه له که دیگر به صداست رومی این سازمان تبدیل شده است. همیشه در لیبیل نیز بیان و شیوه برخورد کومه له در سیاست های امروز خود در قبایل درگیریها، حاضر نیز برین از آن که بسیار

## درگیریهای حزب و...

حزب دمکرات محدودیت‌هایی  
معینی را تحمیل می‌کند...

بسط و تعمیق فعالیت  
کمونیستی حزب ما در کردستان  
... و هم چنین بسط نفوذ سیاسی

و نظامی کومه له، منافق و  
سیاستهای حزب دمکرات را هر  
چه بیشتر به زیر سوال می‌برد و  
صف‌بندی طبقاتی را در جنبش  
انقلابی نیز ترویج می‌کند.

( همانجا صفحات ۴ و ۵ )  
تاکیدها از ما

حال نگاهی به شرایط سیاسی -  
اجتماعی مورد نظر کومه له،  
باید در حقیقت آن زمینه‌ای را  
نشان بدهد که اهداف و ... مطرح  
شده در آن بعد این درگیری  
مکان و معنای "ضمایزی" داده  
است. آنچه که به تحلیل کومه له  
از حزب دمکرات مربوط می‌شود،  
ظاهراً هیچ تغییر حاصل  
نشده است و حزب دمکرات تغییر  
ماهیت نداده است، جز این که  
سیاستهای آن توسط "بسط و  
تعمیق فعالیت" و "هم چنین بسط  
نفوذ سیاسی و نظامی کومه له"،  
به زیر سوال برده شده است.

البته در کنار این خودستایی‌ها  
و در لایه‌ای "بسط و تعمیق  
فعالیت" و "بسط نفوذ کومه له"  
گویا "سیر تعمیق و تثبیت  
مطالبات دمکراتیک انقلابی  
به عنوان اهداف و مضمون جنبش  
انقلابی خلق کرد" نیز نقشی  
داشته است یا اصولاً چنین  
سیری هم فقط محصول "بسط و  
تعمیق فعالیت و بسط نفوذ کومه له"  
بوده است. که علاوه بر "زیر  
سوال" بردن سیاستهای حزب  
دمکرات، صف‌بندی در جنبش  
انقلابی را "نیز" تعمیق بخشیده  
است. خواننده قطعاً حتماً  
باید به این "نیز" ناقابل  
کومه له دقت کافی مبذول دارد  
تا رمز قهرمانی ترسه له در  
"زیر سوال" بردن این یا آن  
سیاست در برابر "صف‌بندی

سیح حول این یا آن سیاست را  
داشته باشد هدف نهیج خود  
کومه له را دنبال می‌کند.  
خودستایی‌ها و خود محورینی‌های  
حاکم بر موضوع کومه له، عاری از  
عنصر پیشرفتگی سیاسی و عملی  
این نیرو و بیان دقیق  
وضعیت طبقاتی مشخص آن است.  
این تمایل ذاتی کومه له در  
وضع یابی درگیری‌های حاضر نیز  
ردیای خود را همیشه "برجای  
می‌گذارد".

کومه له در مورد درگیری  
کنونی می‌گوید:  
جنگ جاری ... گذشته از

طول و دامنه بی سابقه آن اهداف  
شعارها و خواسته‌های سیاسی مطرح  
شده از جانب طرفین، بر زمینه  
شرایط و تحولات سیاسی اجتماعی  
معینی مطرح می‌شوند که به  
جنگ جاری مکان و معنای سیاسی  
اجتماعی ضمایزی از درگیری‌های  
گذشته داده است و این خود  
بیانگر وجود علل و اهداف سیاسی  
نیرومندی در پشت این جنگ  
می‌باشد.

( همانجا صفحه ۴ تاکیدها از ما )  
برای هر خواننده ای در اولین  
برخورد با این منظور قطعاً  
کومه له، این سوال پیش می‌آید  
که نقش آن "شرایط و تحولات  
سیاسی - اجتماعی" مورد نظر  
کومه له چه هست که "گذشته از  
طول و دامنه" درگیری کنونی،  
"مکان و معنای ضمایزی" آن یا  
درگیری‌های مشابه گذشته را  
توضیح می‌دهد و آن "علل و  
اهداف سیاسی نیرومند پشت این  
جنگ" کدام هستند؟

برای آن که این گونه سوالات  
پاسخ خود کومه له را دریافت  
دارد مطالعه قطعاً خود  
کومه له را ادامه می‌دهیم تا  
روشن شود که "شرایط و تحولات"  
مورد نظر کومه له چیست:

"حزب دمکرات، به حکم واقعیت  
عینی و تقسیر سیاسی خویش در این  
جنبش می‌باید اهداف بورژوازی  
را تحت نام اهداف جنبش و  
منافع مردم به پیش برده و این  
واقعیت پر عملکردهای سیاسی

طبقاتی "کمرنگ نشود. کومه له  
در این فرمول بندی، "زیر سوال"  
رشته این یا آن سیاست را قبل  
از آن که نتیجه و محصول صف بندی  
طبقاتی بدانند، صف بندی طبقاتی  
را فرغ بر زیر سوال بردن،  
می‌سازد تا نقش "قهرمانان"  
فراموش نشود و کومه له بسط  
و تعمیق "فعالیت" خود و "بسط  
نفوذ خود" را در برهه فراموشی  
نهدد.

اما تحلیل کومه له از  
شرایط و تحولات "مورد نظر  
خود به اینجا ختم نمی‌شود، او  
ادامه می‌دهد:

"پیچیده شدن شرایط  
جنبش خلق کرد و سرخوردگی  
حزب دمکرات از امکان موفقیت  
شورای ملی مقاومت، حزب  
دمکرات را ... هر چه بیشتر  
نگران کاهش نفوذ و از دست  
رفتن موقعیت خویش در  
کردستان می‌سازد.

از یک طرف حزب دمکرات  
برای نزدیکی با این یا آن جناح  
بورژوازی جهانی و یا برای  
گشودن باب سازش و مصالحه با

رئیس جمهوری اسلامی، هر چه  
بیشتر محتاج این است تا خود  
را قدرت فائق در کردستان و  
صاحب اختیار جنبش خلق کرد

نشان دهد و از طرف دیگر نفوذ  
فزاینده سیاستها و شعارهای  
کومه له تاثیرات محدود کننده

باستهای حزب دمکرات را بین  
از پیش خشی می‌کند."

( همانجا صفحه ۴ تاکیدها از ما )  
کومه له بجای تحلیل پیچیده  
شدن شرایط صورت نظر خود  
در جنبش خلق کرد، به شکست  
این یا آن سیاست حزب دمکرات  
و انعکاس روانشناختی آن در حزب  
دمکرات پرداخته نگرانی او  
را تشویق می‌کند و سپس در  
جمع بندی خود از این شرایط  
"پیچیده نتیجه می‌گیرد که در  
یک طرف عادلانه شرایط پیچیده  
کومه له، حزب دمکرات قرار  
دارد که "برای نزدیکی به این

### درگیریهای حزب و...

یا آن جناح پیروروزی جهانی و یا برای کشورین باب سازند و مصالحه با رژیم محتاج آن است که خود را قدرت فائقه و صاحب اختیار جنبش خلق کرد نشان دهد که با قدرت خنثی کننده نفوذ فزاینده کومه له در طرف دیگر معادله مواجه شده و در این جهت تن به تن تاثیرات محدود کننده خود را از دست می دهد و از اوضاعی احتیاج خود باز می ماند و معادله پیچیده کومه له حل شده فرض گفته با پیروزی نفوذ فزاینده قهرمان داستان به خیر و خوشی به اتمام می رسد.

از این خود مضمونی ها و خود مضمونی ها که بگذریم رفتاری کومه له باالخره تکلیف ایمن پیچیدگی در شرایطی که می شود. این پیچیدگی چگونه در قصد و عرضی های پرشمرده حزب دمکرات انعکاس پیدا می کند. یک مساله اینجا مبهم است، بالاخره به نظر شما حزب دمکرات برای آن نزدیک و یا این کشورین باب سازند می خواهد خود را قدرت فائقه نشان دهد و این تحولات سیاسی - اجتماعی صورت نظر شما آیا چیزهای جدیدی در مورد حزب دمکرات هستند که این درگیری را با درگیری های گذشته ضایعتر می سازند. یا شاید منظور شما از طرف دیگر مورد اشاره در همین جمع بندی است که در آن تنها امر مورد استناد شما برای تحولات سیاسی - اجتماعی مورد نظر فقط و فقط نفوذ فزاینده سیاست ها و شعارهای کومه له است. آیا نمی توان این نتیجه را گرفت که آن شرایط و تحولات اجتماعی مورد نظر کومه له در تحلیل نسبی همین نفوذ فزاینده کومه له و عامل خنثی سازی آنها بر روی تاثیرات محدود کننده سیاست های حزب دمکرات است، و اگر نه تحلیل شما هیچ تغییر و تحول محسوس دیگری را نشان نمی دهد. مگر یک مورد جدایی حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت و سوخوردگی ناشی از آن، و اگر این تحولات پیچیده مورد نظر شما را در مورد نفوذ فزاینده

تلاش حزب دمکرات برای نزدیکی و گشایش باب سازند را معیار و ملاک سنجش آن اهداف و شعارها و خواسته های سیاسی مطرح شده از جانب طرفین در جهت جاری محسوب داریم، شاخص این سنجش نسبت به گذشته هیچ تغییر معینی را که بیانگر وجه تمایز باشد، نشان نخواهد داد.

ولی برخلاف درک و تحلیل کومه له، این تغییر و تحولات در سیر کنونی جنبش و الزامات عینی و عملی آن و در راستای پیشرفت سرسختانه آن قابل تضحیح است، تا در این میان آن بسط و تعمیق فعالیت کومه له و محدودیت این یا آن سیاست و نگرانی حزب دمکرات و غیره و مهم ترین گره این سیاست ها و برخورد های نیروهای از قبیل کومه له است که قادر به پاسخ روشن به آن نیست. جدایی حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت در حقیقت قبل از همه بن بست برنامه حزب دمکرات در پاسخ گوئی به نیازهای کنونی جنبش است، همانگونه که خود ستای کومه له محمول ناگزیر عدم درک او از روند عمومی و قانونمندیهای حاکم بر همین جنبش است. و اگر در شرایط سیاسی - اجتماعی امروز یا شرایط مربوط به درگیری های گذشته تفاوتی وجود

الکانه پذیر نیست، و این امر چیزی نیست جز تحمیل جبری بیشتر جنبش در عرصه های مختلف بر کسانی که از درک قانونمندیهای حرکت هدفمند آن عاجز هستند و همچنان ابرار بر ادامه بی برنامه گی خود با عنوانی از قبیل برنامه و سیاست منطبق بر مصالح جنبش هستند دارند. بدون آنکه این انطباق را در تلبوری غیر از همین درگیری ها، نشان دهند. بدون آن که توضیح دهند که درگیری سراسری کنونی محصول کدام درگیری های معین در عرصه تقابل دو سیاست در بطن جنبش کنونی و در روند تعمیق آن در زمینه عینی است.

بدون تردید تحقیق در جنبش کنونی صورت گرفته است، شالوده های یک برنامه دمکراتیک و انقلابی در گوران شش سال مبارزه حاد در درون جنبش انقلابی خلق کرد پی ریزی گفته است و توده ها قبل از همه در تجربه سیاسی خود به آموزشهای متحرکی دست یافته اند. اما درگیری های حزب دمکرات و کومه له ضرورت این تعمیق و محصول بلا فصل آن نبوده و نیستند، به همانگونه که هیچ کدام از این دو نیرو عنصر هدایت چنین تعمیقی نبوده و نیستند. برعکس درگیری های کنونی حزب

در شیوه برخورد کومه له خود او محور تمامی تحولات در جنبش کنونی و همین منافع و اهداف آن است. قطع این درگیری ها تنها زمانی مطلوب است که پیروزی خود کومه له بر حزب دمکرات از طریق تسلط بر حزب دمکرات باشد. تا زمانی خود، از طریق نظامی دست آمده باشد. برای همین هم کومه له نیازی به این یا آن برخورد سیاسی و اهرم سیاسی و توده ای ندارد. در سیاست کومه له توده ها همیشه غایب اند و تنها در شعارها و اعلامیهای او حضور دارند. کومه له تا روند نیست همیشه جانشین بالفعل توده ها است.

دمکرات و کومه له دقیقاً منابری الزامات چنین تعمیقی و چشم اندازهای آن و محصول عدم تطابق برنامه ها و اهداف مورد نظر هر دو نیرو با چنین تعمیقی و نماینده بحران درونی جنبش کنونی و آره گاه اساسی آن هستند این درگیری ها نه محصول هدایت هدفمند جنبش انقلابی خلق کرد، بلکه گامی برعکس، بیان هدایت کور و خالی از محتوای دمکراتیک آن، بیانگر بی برنامه گی سیاستهای موجود هر دو نیرو در برخورد به اهداف و نتایج است. آن هستند. این درگیری ها

دارد، که قطعاً وجود دارد، تنها در این واقعیت بیان خود را روشن می سازد که دیگر به شیوه گذشته نمی توان با این درگیریها برخورد نمود. دیگر جایی برای ادامه هر از چند گاهی و کور آنها باقی نمانده است. دیگر نمی توان به شیوه های معمول و نیم بند خانوادگی به آنها پاسخ داد. و دور از انظار جنبش به شیوه کدخدا منانه صلح و وفا برقرار نمود. درگیری های کنونی از این جنبه متمایز از درگیری های گذشته هستند که بدون یک راه حل اصلی دیگر مهار آنها



### درگیریهای حزب و...

حاضر و در درگیری های بین حزب دمکرات و کومه له درغیاب توده ها بنابر اصرار خود را به نصایح می گذارد. برای حزب دمکرات و کومه له مردم کردستان با تمام امتهای آفرینانه خود در مبارزه چندین سال اخیر، تنها تا اینجا مطرح بوده و هستند که این دو جریان هر کدام به نحوی خود را نمایندند. تام الاختیار آنها محسوب دارند، بدون آن که در سیاست و عمل قادر باشند نمایندند. صرف بندی خشکی در این جنبش باشند و یا در جهت سازماندهی درونس امکانات بالقره و بالفصل جنبش کنونی و در عرصه ایجاد تحولات معینی در کردستان جایگاه خاص خود را اشغال نمایند. طبیعی است که در چنین شرایطی، باید شاهد نبرد شناگران ماهر در عرصه جنگ تن به تن در برکه ها بود تا در آقیانوس توده ها، کومه روشن می سازد چه کسی بر آنچه که می گوید و انعا می کند، عمل نیز می کند. و تناسب با همین عملکرد خود نیز به "اعتقاد تام" یا "انطباق کامل" می رسد. طبیعی است که جایگزینی اولی به جای دومی، امری ضحك و گاملا "ترانیک" (در یک جنبش عمومی) خواهد بود. برای درک عمیق آنچه نه صورت گرفته است و آنچه که در اعضا جریسان دارد، کافی است موقعیتی را در نظر بگیرد که اکثریت مناطق کردستان تحت کنترل مستقیم جنبش بود و هنوز رژیم جمهوری اسلامی، نتوانسته بود مناطق آزاد را محدود نماید و انگاه به اقدامات انجام شده در طول همین دوران حاکمیت مستقیم سرانجام نماید تا بیملان کنار دمکراتیک هر کدام از نیروهای موجود به دست آید، و همچنین روشن شود که اختلافات در آن زمان در چه سطحی و بر چه مسائلی مابلی بوده است. طرح شعار دمکراسی در برنامه سازمانی بدون اقدام عملی در جهت تحقق آن، هرگز نمی تواند پاسخگویی نیازهای جنبش انقلابی در کردستان باشد.

از همین رو نیز هست که برخلاف نقطه نظر کومه له که تحولات در وضعیت سیاسی اجتماعی را در "سطح و عمیق" فعالیت خود جستجو می کنند و دلایل عینی تمایز درگیری های حاضر با درگیریهای

عقب مانده، بورژوازی متزلزل و بینابینی يك ملت تحت ستم یا يك جریان دمکرات خرد بورژوازی، که از سوی حزب دمکرات انعکاس سیاسی خود را در عدم تحمل هرگونه فضای دمکراتیک آشکار می سازد و از سوی کومه له، در مواجهه متقابل با چنین سیاستی با استفاده از اولین سائیکل دم دست خود تشکیل می دهد و قهرمانی های پشت سر چنین مواجهه ای، همانقدر جریسان نخست وضعیت دلخواه خود را محور هرگونه دمکراسی ای در کردستان می داند و چارچوبی فراتر از آن را تحمل نمی کند، که دومی خود را عین دمکراسی و مدافع یک تنه آن می داند و فائق درک از هرگونه عنصر دمکراتیک در جنبش توده ای است. ما منکر تاثیر حضور کومه له حتی با مشخصات فطری آن در فضای دمکراتیک جنبش نیستیم. ولی دمکراسی را محصول کار کومه له نمی دانیم. دمکراسی برخلاف درک کومه له متقابل بین دو جریان سیاسی نیست، بلکه نتیجه تقابل بین اقشار و طبقات مختلف و سازماندهی منتج از چنین تقابلی در عناصر اولیه دمکراتیک يك جنبش عمومی علیه هرگونه تشبیه در دمکراتیک است. این شعار دمکراسی نیست که جلوی تعرض به آن را گرفته و وجود و تثبیت آن را تضمین می کند، این مبلغ و مروج دمکراسی نیست که در مقابل فرد دمکراسی سینه سپر می کند. آنچه که باید جلوی تعرض را بگیرد، مسلماً تبلور عینی يك شعار در عناصر مادی خود و اراده متشکل توده های که باید اهرم مقابله با ضد دمکراسی باشد و درست همین توده های آگاه به منافع خود و متشکل هستند که برای دفاع از حقوق اولیه خود می باید در مقابل هرگونه اقدام ضد دمکراتیک بایستند. زمانی که سر نیزه سرکوب دمکراسی از قراز سر همه آنها به سینه بلفین و سرچین دمکراسی رسیده باشد، مسلماً دمکراسی مورد تبلیغ و عمل چنین مبلغینی نمی تواند خالی از همان اشکالاتی باشد که طرف مقابل به حد کافی از آن برخوردار است. امری که در شرایط

بیش از آن که محصول رشید توده های درونی جنبش کنونی باشند، نمایندند. تقابل دو سیاست معین در عرصه های محدودی از اهداف و دستاوردهای آن هستند. از همین رو نیز رعایت دمکراسی سیاسی در صفوف جنبش انقلابی خلق کرد یا عدم رعایت آن تنها ماله مهم این درگیریهاست. دمکراسی سیاسی ای که از حد شعارها در طول شش سال گذشته فراتر نرفته است و هرگز به لحاظ عینی نتوانسته است تبلور مادی خود را در جنبش کنونی پیدا کند، توده های صمیمی را حصول اهداف و مقاصد معینی متشکل نماید. حزب دمکرات همانقدر با اقدامات ضد دمکراتیک خود از مردم کردستان می خواهد همچون او فکر کند، که کومه له با سیاست های انارشستی خود مدعی کسب نمایندگی تام آنان است. کما این که کومه له همانقدر "اعتقاد تام" به "انطباق کامل" سیاستها و شعارهای خود با منافع توده ها دارد که حزب دمکرات به طریق دیگری خود را نمایندند نام الاختیار مردم کردستان می داند.

جدا از ادعاهای سرد و جریان چه چیزی می تواند بیانگر اقتدار و عملکرد خود آنها به همین خواست و منافع توده ها

این درگیری ها نه محصول هدایت هدفمند جنبش انقلابی خلق کرد، بلکه گاملا "برگس" بیان هدایت کور و خالی از مضمون دمکراتیک آن، بیانگر بی کفایتی سیاستهای موجود در دنیوی در برخورد به اهداف و نقطه عزمست آن هستند.

باشد. آیا این ملاک و معیار چیزی جدا از برنامه و عملکرد هر جریانی است؟ ولی در این زمینه باید دید کدام تفاوت اساسی و ماهوی در بنیان های برنامه ای و عملکرد عینی درونی وجود دارد. حد این تفاوت گاملا "روشن و منحص است. حزب دمکرات در این عرصه با کومه له همانقدر فاصله دارد که دمکراسی بورژوازی آشکار با دمکراسی خرد بورژوازی در پشت القاط و شعارهای پرطمطراق. فاصله این در جریان فاصله بین يك جریسان

از صفحه ۱

انتخابات ریاست جمهوری ۵۵۵

بود و برگزاری چنین انتخاباتی  
بیش از آن که ضد فریب  
توده ها را دنبال کند، قصد  
مقابله با آنها را داشت، قصد  
تحقیر آراء مردمی را دنبال  
می نمود که دیگر مدت هاست  
رای نهایی خود را در مورد  
نه تنها این یا آن مهره مضمور  
رژیم، بلکه کلیت آن در طول  
مبارزات انقلابی خود داده اند.  
لیکن جریان عینی حوادث  
خیلی پیشتر از آن که رژیم  
تصورش را بشند، حقاقت خود  
رژیم را به نمایش گذاشته است  
و قدرت عظیم آزاده انقلابی  
توده ها در تحریم همه جانبه  
انتخابات، یگبار دیگر حقاقت خود  
رژیم را بر خود او گوشزد  
نمود. امروز که انتخابات به  
انجام رسیده است، تایید آن  
بیش از آن که موفقیتی برای  
رژیم باشد، بیانگر شکست قطعی  
او در دست یافتن به هرگونه  
هدف تبلیغاتی، در جریان  
این نمایش عجز و ناتوانی خود  
بوده.

اما هر چند رژیم جمهوری اسلامی  
با تمامی وقاحت خود تلاش  
نمود از شرکت گمراه مردم  
در انتخابات سخن بگوید و با  
ثبات پیش صحنه تمدید  
انتخابات، دم از شرکت گمراه  
مردم نیز بزند. و با بی شرمی  
تمام از برگزاری همین انتخابات  
فرمایشی در کردستان انقلابی  
و از شرکت گمراه توده های  
انقلابی خلق کرد در نمایش  
انتخاباتی سرکوبگران خود در  
طول شش سال گذشته، نیز  
سخن بگوید. ولی هر کس  
اندک اطلاعاتی از وضعیت  
فلاکت بار رژیم در کردستان  
داشته باشد، و از جنایات شش  
سال گذشته، آن در این خطه  
و علیه خلق قهرمان کرد آگاه  
باشد، بخوبی می داند که  
رای مردم کردستان در مورد  
جمهوری اسلامی چیست و  
پاسخ آنها تا کنون به خواسته های  
ارتجاعی رژیم در کردستان،  
ند امروز بلکه در تمامی طول  
حیات آن چه بوده است. و  
چگونه این عواطفی رژیم در  
نوران حملات گمراهه و هوس  
و زور پیژمرگان قهرمان خلق

کرد، بر مزدوران سرکوبگر رژیم  
در سواست کردستان رنگ باخته،  
و در نظرت عمومی توده های  
معرض خلق کرد، محو می گردد  
رژیم از آراء شهروندی در  
کردستان سخن گفت که بسیاری  
از آنها اینک صد نهامت در زیر  
بمباران ها به ویرانه مبدل  
شده و خالی از سکنه  
گشته اند. از آراء مردمی  
سخن گفت که حتی به زور  
اعدام و کشتار نیز نتوانند  
حکومت بر آنها نشده که هیچ، بلکه  
فاجه کوچکترین رایگانی در میان  
آنها است و جز پایگاه های  
متحکم و تا دندان مسلحی  
که دیگر امروز زیر ضربات  
پیژمرگان خلق کرد به زندانی  
برای خود رژیم، مزدوران  
آن مبدل گشته اند، هیچ چیز  
دیگری بدست نیامده است.

ولی برخلاف تبلیغات  
رژیم، مجموعه کل آراء تبلیغی  
خود رژیم هم بخوبی عمق  
تحریم انقلابی توده ها را  
آشکار ساخت. و همین تحریم  
گمراه نیز مترجمین حاکم  
را مجبور ساخت دست از ۹۹٪  
گدائی خود برداشته، تنها  
به اسلام یک نفر اندرون ۱۴  
میلیونی انگفا نمایند یعنی  
حدود ۵۰٪ از آراء کل واجدین  
شرایط اسلام شده از مسوی  
خود را جعل نمایند و نه بیشتر.

سردمداران جنایت کار رژیم  
خود بخوبی از رای مردم و  
از میزان شرکت آنها در  
انتخابات قلبی خود آگاه  
بودند و امروز خود همی  
انتخابات بیشتر از پیشتر عمق  
نظرت توده ها و کینه کارگران و  
زحمتکشان خلقهای سراسر ایران  
علیه آنها را، به نمایش گذاشته است.  
بنا بر این از همان آغاز نیز  
برای آنها صاله آراء مردم  
 مطرح نمی توانست باشد جز  
در عرصه تبلیغات، بلکه آنچه  
که مطرح بود این واقعیت بود  
که چه آرائی و بنام کی و  
چرا، باید بنام مردم به صندوق  
های رای بویزند. و رئیس  
جمهور متمسک خمینی را چگونه  
از صندوق های رای بیرون  
بکشند.

واقعیت این است که  
توجه انتخابات قلبی رژیم  
نه بر سر صندوق ها بلکه  
زمانی مشخص گشت که خمینی  
چند ماه پیش زمانی که  
تضادهای درونی جناح های

حاکم به این شدت خود رسیده  
بود، آنها را به وحدت برای  
حفظ نظام دعوت نمود، و با  
قرار دادن وحشت سرنگونی کل  
رژیم که امروز تمامی موجودیت  
رژیم را در بر گرفته است، در  
مقابل آنها، سردمداران رژیم  
را که هر کدام در صدر  
بهره برداری از انتخابات ریاست  
جمهوری به نفع جناح خسور  
بودند، به تعیین بر انتخاب  
خود واداشت و در همانجا  
ایقاعی خاصه ای در پست خود را  
اعلام داشت. و درست بعد از  
این تعیین تکلیف خمینی و اتصال  
نفس او بر جناح های مختلف  
نیز بود که دیگر اندیشه  
ریاست در انتخابات که مصلحت  
شکاف درونی رژیم را هر چه  
بیشتر در انظار توده ها آشکار  
می ساخت، کنار گذاشته شد و به  
دنبال آن شورای نگهبان از  
میان ۵ نفر کاندیدا، فقط  
صلاحیت سه نفر از آنها را  
مورد تایید قرار داد و بر  
کاندیداتوری بقیه از جمله  
کاندیدای لیبرال های نهضت آزادی  
و دیگر هم آنگی ضد انقلابی  
آنها در ایوانسیون و چهره  
محبوب امریالیم جهانی نیز،  
قلم بطلان کشید. شورای  
نگهبان با این اقدام خسور  
نه تنها اصد های برخی جریانات  
لیبرال، بلکه قبل از همه بیم و هراس  
مجاهدین خلق را متفلسف  
ساخت. و در عین حال بر این  
واقعیت تاکید گذاشت که خمینی  
نیز آنها گوشزد نموده بود،  
رژیم جمهوری اسلامی در وضعیت  
نیست که بتواند حتی کوچکترین  
تکلیفی به وضعیت کنونی خود بدهد  
هرگونه مانوری در شرایط  
فعلی صاوی با سرک آن در زیر  
پورش قطعی توده هاست.  
و تلاش های مترجمینی  
همچون بازرگان و امثالهم نیز  
نخواهد توانست ذره ای از این  
وضعیت بکاهد و دردی از  
جمهوری اسلامی را بکشد.

اما سه کاندیدای مسور  
تایید شورای نگهبان نیز،  
علیرغم تمامی سرسوردگی کامل  
به حزب حاکم، در عین حال  
نماینده واقعی بخشهایی از  
تضادهای درونی رژیم  
بودند و هیچکدام از آنها از  
جناح قدرتمند حاکمیت یعنی  
جناح رفنجانی و مجلس کس  
در حیات قدرت اصلی را بر  
قبضه خود دارد، نبردند.

۳۳ مهر ۱۱

از رفقا:

به رغم پیخوردناری از پرخشی  
اطلاعات و امکانات نظامی،  
به جای سازماندهی مقاومت  
نیروهای خودتوده ها در مقابل  
کودتا، به توده ها پشت نموده  
و جبهه ها را به خان از سرزها  
گریختند و دست کوتاگران  
را در سرکوب جنبش انقلابی  
و استقرار حکومت تروریست خفقان  
بطور کامل باز گذاشتند.

پس از سرنگونی رژیم شاه و  
به قدرت رسیدن رژیم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی آراء بیست و  
هشت مردان، علاوه بر زند  
کردن مردان، فحوق در خاطر  
توده ها، یار آور روز خونین دیگری  
است برای خلقهای سرزمین ایران  
و بویژه خلق قهرمان کرد.

روز بیست و هشت مردان ماه  
سال ۱۳۵۸، رژیم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی، بر مبنای  
قزای چهار خمینی مرتجع،  
پیشرو وحشیانه خود را علیه  
خلق مبارز کرد و نیروهای انقلابی  
آن آزار نمود و در تحمیل  
جنگی بیرحمانه و خشن بر  
خلق کرد، از هیچ کوششی فرو  
- گذار نکرد، رژیم در دست  
جمهوری اسلامی که بنا به  
ماهیت ارتجاعی خود نمی توانست  
شاهد رشد آگاهی کارگران و  
زحمتکشان سرزمین ایران و از جمله  
خلق قهرمان کرد باشد، با  
انگیزه جلوگیری از تسلیح  
توده ای، ارتقا آگاهی کارگران  
و زحمتکشان کرد و رشد کیفی و  
تعمیق مبارزات آنان، فرمان  
خمینی جلا را به اجرا  
در آورد. با صدور این جمل  
سرمایه ر دیگر سرکوبگران  
رژیم، در اجرای جنایت کارانه  
این فرمان، کردستان قهرمان  
را به خون کشیدند، تا به خیال  
خام خورد، آتش فروزنند و  
جنبش انقلابی خلق کرد را  
نامشور سازند.

سرکوبگران جنایت پیشه،  
با هجوم مغول وار خود به  
کردستان انقلابی، شهرها و  
روستاها را خواره باران کرده  
و توده های مبارز کرد را با  
هلی کپترهای آمریکائی به  
بگبار بستند و در انجام این  
اعمال جنایت آمیز، دست همه  
اسلاف سنگر خود را از پشت

بستند. با ایجاد رعب و  
وحشت در شهرها و با ارسال  
خشن ترین شیوه های تروری  
سرکوب، دست به آنتینان جنایات  
هولناکی زدند که ابعاد فاجعه  
- آمیز آن سابقه نداشت.  
خلخالگی جلا، با برپا  
کردن دادگاه های اسلامی،  
دسته دسته فرزندان راستین  
خلقهای ایران را به  
جوخه های مرگ سپرد. مدتها  
تقر از زحمتکشان کرد کشته  
شده و ده ها نفر از  
کمونیست ها و انقلابیون نیرو باران  
گشتند. رفقای فدائی، یوسف  
کیمی زاده، شهریار ناهید،  
احسن ناهید، جمیل بیخالی،  
هرمز گرجی بیانی، ابوالقاسم  
رضوند مرداری و دهها نفر  
دیگر از رفقا و همواران  
سازمان و دیگر نیروهای  
انقلابی به دست دوحیدستان  
رژیم اشباع شدند. به راستی  
که سران حکومتی در ارتش  
این جنایات فحیح روی همه  
جنایت کاران تاریخ را سفید کرده

رژیم جمهوری اسلامی در  
شرایطی سرکوب چنین فاجعه  
در ناکسی شد که هنوز پیش از  
شش ماه از سرنگونی رژیم  
سنگر شاهنشاهی توسط توده ها  
نمی گذشت. توده های انقلابی  
و متحدین که در سرنگونی شاه  
از میان رفتن تابرابری، بی عدالتی  
استعماری و کلیه ظالم  
سنگری را می دیدند، در پیرو  
شکل گیری قیام و پیران، دست  
به ایجاد ارگان های توده ای زد و  
برای رسیدن به خواست های  
بموجب خود، ابتکار عمل را در  
بسیاری از کارخانه ها، محلات،  
ادارات و سایر موسسات بدست  
گرفتند. خلق کرد نیز برای  
از میان برداشتن شرایط تکثیر  
زندگی، فقر و نابرابری، نابودی  
ظلم و بندگی و بویژه از میان  
برداشتن ستم ملی به پا خاسته  
و با تکیه بر سنت های دیرین  
و ارزشمند خود، با تسلیح  
عمومی، کنترل شهرها و  
مناطق را در دست گرفت و  
بدرستی به وعده های پیچ و  
سریب آمیز رژیم دل بست.

رژیم فوق ارتجاعی و ماهیت  
ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی  
که از همان سردای قیام علیه  
کلیه آزادیهای دمکراتیک و  
حقوق حقه توده ها، و برای  
نابودی دست آوردهای ارزشمند  
قیام خونین بهمن ماه، و تا آنجا  
که توان نیروهای انقلاب و

ضد انقلاب به او اجساد  
می داد، به اقدامات ارتجاعی  
و سرکوبگرانه حوسل شده بود،  
با آموزش سبانه ۲۸ مردان  
۵۸ به کردستان انقلابی، به  
اقدامات جنایت کارانه خود ایمن  
گشوده و فاجعه آمیزی بخشید  
که ذهنیت توده ها نسبت به  
رژیم دگرگون شد و توهمات  
اکثر آنان به سرعت فرو ریخت.  
سران حکومتی پیش از پیش  
رموا گشته و ماهیت ضد انقلابی  
دستگاه حاکم آشکارتر شد.

حمله وحشیانه به کردستان  
اگر چه با هدف نابودی جنبش  
انقلابی خلق کرد آغاز شد،  
اما از سوی توده های انقلابی  
با مقاومت دلاورانه رویبر  
گشت. کردستان انقلابی در  
پرتو قدرت متحد توده ها  
توانست بزرگترین پیروزیهای  
بیرحمانه را به دست بیاورد.  
سرکوبگران که بران بودند تا  
ظرف ۴۰ ساعت، دستاورد  
- های خلق کرد را نابود  
کرده و به "غائله خاتمه  
دهند با تحمل لطمات و تلفات  
جدی، پیروزه شان به خست  
مانند شد و خلق مبارز و رزمنده  
کرد، سرکوبگران را وادار به عقب  
نشینی کرد. خلق قهرمان کرد  
و نیروهای انقلابی کردستان  
در این مقطع با تمامی قدرت  
رؤسی خود ضمن وارد آوردن ضربات  
جدی به رژیم توانستند به  
دفاع از انقلاب و دست آوردهای  
قیام برخیزند.

با شنیت نیروهای رژیم در  
کردستان، ارگان های تسوده ای  
همچون شوراهای و بنکها، گسترش  
بیشتری به خود گرفت، و زمینه  
پیشبرد اهداف و خواست های  
دمکراتیک خلق کرد فراهم تر شد.

امروز بر همگان روشن است  
که عقب نشینی نیروهای رژیم  
ارتجاعی جمهوری اسلامی در  
آن دوره و شکست مفتحانه اش  
در حمله به کردستان انقلابی،  
علی رغم به کارگیری حد اکثر  
نیوان و تمامی ارگان های  
سرکوب و تحق خود، نه تنها  
محصول بالا بودن سطح مبارزات  
مردم کردستان و تسوده های  
سرزمین ایران بود، که برای  
دست یابی به خواست های  
عادلانه و بموجب خود بستند  
مبارزه انقلابی برخاسته بودند،  
بلکه به میزان زیادی محصول  
اتحاد و هماهنگی میان  
نیروهای انقلابی کردستان،

۸ آذر در آن فصل مشترک ...

و مبارزه انقلابی آنها با رژیم پسر منهای یافتاری پسر خویست عادلانه و دفاع از حقوق حقه توده ها، پر پایه اتکا نیچی به آنها و ارگان های خاص آنها بود، امری که امروز نیز به یکی از مبرم ترین نیازهای جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل گشته است.

رژیم اگر چه در آن مقطع محصور به عقب نشینی در کردستان شد، اما بر همه نیروهای انقلابی و توده های آگاه روشن بود که، اقدامات سرکوبگرانه اثر را علیه کردستان انقلابی، این سنگر خونین انقلاب و کانون ملت به مقاومت و مبارزات توده ای، ادامه خواهد داد. سرکوبگران طی گذشت بین از شش سال یک لحظه هم در انجام این وظیفه ضد انقلابی خود درنگ نکرده اند.

امروز بعد از شش سال تجربه عینی و خونبار در جنبش انقلابی خلق کرد و جنبش سرابری، ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر رژیم حاسی سوطیه داران پسر هیچقدر پوشیده نمانده و حتی بر عقب افتاده ترین بخش توده ها نیز روشن و آشکار گشته است. از اینرو هرگونه چشم داشتی از این رژیم و هرگونه توهم برکنایی پوشیده و آشکار نیست به آن، ضمن آنکه خیانت آشکار نیست به ضمون انقلابی و دمکراتیک جنبش خلق کرد. محسوب می شود، لطامت جبران ناپذیری را بر اهداف پیروز ضد آن نیز وارد می سازد.

نگاهی مختصر به سیر مسائل مربوط به جنبش انقلابی خلق کرد، و به ویژه عطف توجه به وضعیت مشخص و جاری موجود آن، این واقعیت آثار ناپذیر و قانونمند را روشن می سازد که هر گاه صفوف جنبش انقلابی از انجام بیشتر و هماهنگی بیشتری برخوردار بوده است، توانمند تر به ادامه مبارزه انقلابی پرداخته و دشمن زمین خود را به موقعیت ضعیف تری انداخته است، امکان عمل گسترده و

تحریکات ضد انقلابی را از اولب کرده و ضربات کاپی بر او وارد آورده است. اما از آنهم آشکارتر، این مطلب است که، اختلاف و پرانندگی و ایجاد شکاف میان صفوف جنبش از انرژی انقلابی و توان رزمندگی آن، در ستیز با دشمن به شدت می کاهشد، و دشمن، به حد اکثر ممکن از چنین اوضاعی بهره برداری نموده و دست آخر به لحاظ توازن قوا و روحیه از مزیت ضایب تری برخوردار می شود. حال چنانچه اوضاع جاری و حاکم بر جنبش انقلابی خلق کرد و مناسبات فیما بین نیروهای آن و به ویژه درگیرهای ارادمدار میان دونهیرو عمده ایمن جنبش را در نظر بگیریم، عمق فاجعه بار در درنگ بودن آن روشن تر خواهد شد.

رژیم علی رغم تلاش های مذبحخانه خود و اتکا به شیوه های گوناگون در جهت به شکست کشاندن و نابودی جنبش انقلابی، همچنین به رغم بکارگیری گسترده امکانات صحیح نظامی و تبلیغاتی، تیر باران و خیماره باران کردستان قهرمان و تکرار و ادامه فجایعی همچون ۲۸ مردادها نتوانسته است به اهداف جنایت کارانه خود در کردستان نائل آید. اگر چه طی مدت پیش از شش سال تحمل جنگی خونین و بیرحم، از اعمال هرگونه جنایتی فروگذار نکرده است و به بهای از دست دادن بسیاری از نیروهای انسانی و تدارکاتی خود و با صرف مالغی هنگفت در این زمینه، توانسته است برخی مناطق را که پیش از این در اختیار پیشمرگان قرار داشت تحت کنترل خود در آورد و اگر چه نتوانسته است در این مناطق از دامنه عمل پیشمرگان تا حدودی بکاهد، اما بهیچوجه نتوانسته و نخواهد توانست مانع حرکت پیشمرگان گشته و مقاومت توده های انقلابی را در هم بشکند.

امروز بر همگان و خصوصاً بر نیروهای سیاسی و مردم کردستان آشکار است که، پیش از آنکه هجوم و خنیانه و حملات سرکوبگرانه رژیم و تکرار فجایعی مشابه ۲۸ مرداد سونوشت جنبش انقلابی خلق کرد را تهدید کند، ادامه درگیرهای خونین فیما بین دونهیرو عمده ایمن جنبش است که پیش از شش ماه

تداوم خود، پیش از هر چیز، آیتده پیروز ضد جنبش انقلابی را بخطر انداخته است.

امروز می بایستی پس از گذشت شش سال مبارزه خونین و مقاومت، از تجارب جنبش، درس های لازم را آموخت، و آموخت که برآورده شدن اهداف پیروز ضد جنبش انقلابی خلق کرد، در گرو اتخاذ سیاست های درست و مبتنی بر مطلق واقعی توده ها و بسیج سازماندهی گسترده آنها در مبارزه انقلابی شان علیه کلیت رژیم در عرصه های مختلف است. تنها چنین سیاستی است که پیروزی جنبش کنونی را تضمین خواهد نمود.

از صفحه ۲

چرا باید درگیرها قطع گردند؟

برای تداوم آن و برای اجتناب از هرگونه درگیری از ایمن نوع در شرایط اتی بعنوان منای مناسبات نیروهای سیاسی قرار گیرد. رد هرگونه قید و شرطی در این شعبار در حقیقت سرود دانستن هرگونه اقدام ضد دمکراتیک از سوی هر نیروی و الزام کردن نهادن به یک شرایط دمکراتیک و التزام به آن است که می بایست محصول بلافضل جنبش آتش بسی باشد.

امروز دیگر مساله ایمن درگیرها و اصولی که پسر منای آنها می باید به آنها پایان داد، چنان روشن و واضح است که دیگر نیازی به تکرار کسر آنها نیست و هرآن نیروی که به هر دلیل و عنوانی از زیمبار اسلام صحیح صوغ خود در قبال این یا آن امر مربوط به درگیرها به هر طریق و تحت هر عنوانی شانه خالی کند، بدون هیچ تردیدی باید گفت که عملاً به ادامه این درگیرها خدمت نموده، و در تداوم این درگیرها سهیم است.

دریک کلام: دفاع از شمار آتش بس فوری و بدون قید و شرط، و محکوم دانستن هرگونه تمایل به اسلحه برای حصول اختلافات در شرایط کنونی از طریق گردن نهادن به همه چارچوب دمکراتیک در مناسبات فیما بین نیروهای سیاسی منطبق در صفحه ۲۴

# اخبار جنبش توده‌ای

## اعتراضات توده‌ای علیه

### تسلیم اجباری

رژیم جمهوری اسلامی غیررسم به کارگیری نیروهای سرکوب خشن خود در کردستان نه تنها توانسته است مانعی جدی در مقابل اعتراضات پیشمرگان قهرمان ایجاد کند بلکه این اعتراضات انقلابی هرروزه ضریبات سرگرمای خود را بر یکسر فرسوت رژیم و ارگان‌های سرکوب او زاردر کرد است. از این رو رژیم در ادامه سیاست‌های ارتجاعی و ضد مردمی اشراطی یک ماهه گذشته باز هم کوشید تا با تکیه بر ارگان‌های سرکوب خود و استفاده از جاسرها، غشودال‌ها، ملاها و دیگر برتجیحین زحمتکشان مناطق مختلف کردستان را در جهت تأمین منافع و اهداف سرکوبگرانه خویش وادار به تسلیم کند.

اما تلاش‌های مذبحانه رژیم تاکنون نه تنها برای منسوقتی در بر نداشته بلکه همواره از سوی توده‌ها با مقاومت و اعتراض انقلابی روبرو گشته است.

زحمتکشان خلق کرد نه تنها تسلیم این سیاست‌های ارتجاعی رژیم نشده‌اند بلکه علیه آن بیجا خاسته مبارزات انقلابی خود را تشدید نموده و علیه کلیت رژیم دست به اعتراض زده‌اند.

گزارشاتی که در زیر می‌آید نشان‌دهنده شیوه‌های مختلف از سوی رژیم در پیشبرد عملی سیاست‌های خود و همچنین واکنش توده‌های انقلابی خلق کرد را در قبال این سیاست‌ها نشان می‌دهند.

همچنین تصریح کردند برای آنکه این موارد جنبه عطی بخود بگیرد سیاستی همکاری شوراهای روستاها را جلب کرده و به ویژه از نیروی سلاهای مرتجع در این جهت استفاده کامل بعمل آید.

۱- به ملت اینکه نیروهای رژیم در منطقه از لحاظ کمی زیاد نیست، باید با همکاری شوراهای استفاده از ملاها، روستائیان را تسلیم نمود.

۲- اهالی روستاهای صیبر بانه به کوفان، بانه به بله سن، بانه به عباس آباد، حتماً و بسا تمام قدرت می‌بایستی تسلیم گردند.

۳- روستاهای "پرده رش"، "میجلان"، "زراو"، "بوئین بالا"، "بوئین پائین"، "عباس آباد"، "کانی سور"، "سورین" نجنی بالا، "نجنی پائین"، "سویج"، "بادمجان"، "بی‌کش"، "زیوه"، "نه نسو"، "خوری آباد"، "کوفان" و ...

بایستی با جلب همکاری شوراهای استفاده از سلاهای منطقه صلح گردند.

لازم به تذکر است که در همین رابطه و برای پیشبرد این سیاست‌های ارتجاعی در تاریخ ۲۰/۵/۶۴ نزدیک به ۳۱۲ نفر از اعضا شوراهای و سلاها به شهر بان دعوت شد و در مسجد شهر، برای جلب جذب شوراهای و استفاده بیشتر از نیروی تحمیلی سلاها، مهندسی برگزار گردید و طی آن جاد مشهور "ملا عبد الله" برای آنان سخن پرانگی کرده و ضمن حمله به نیروهای انقلابی از افراد دعوت شده می‌خواهند علیه نیروهای انقلابی شعار بد دهند.

### سردشت

رژیم جمهوری اسلامی، اخیراً مردم مناطق مختلف سردشت، به ویژه "ولان" و "گورک" منطقه بازار سردشت و همچنین اهالی روستاهای این منطقه را شدیداً تحت فشار قرار داده تا به زور سرنیزه آنان را صلح نمایند. مزدوران چندی پیشتر نیز اهالی روستاهای "باسکی کوله" را با هدف تسلیم آنان تحت فشار قرار دادند. اما این حرکت مزدوران با اعتراض شدید مردم زحمتکش منطقه مواجه گشت، به ویژه اهالی روستاهای "کوله" و "پائین"، همگی متحد و یکپارچه پیمان بسته‌اند که هیچ‌کس اسلحه رژیم را برنندارد.

### دینور

سرکوبگران رژیم مردم منطقه "گورک" میوه‌دی را برای تسلیم اجباری تحت فشار قرار داده‌اند. اهالی روستاهای این منطقه، از برآوردن خواست مزدوران سرباز زده علیه آن دست به اعتراض زدند.

مزدوران رژیم برای تحمیل سیاست‌های خود صلاح‌های رژیم را تحمیل نوجوانان روستا می‌دهند در ضمن به تهدید و جرمه کردن توده‌ها دست می‌زنند. تا از این طریق اهداف ارتجاعی خود را برآورده کنند.

### بانه

به دنبال شکست‌های متضدانه سیاست‌های ارتجاعی رژیم در منطقه، سران رژیم جهت ادامه و پیشبرد اهداف ارتجاعی خود و چگونگی تحمیل این سیاستها به خلق مبارز منطقه، به حیل و نیرنگ‌های جدیدی توسل جسته‌اند، در همین رابطه، چند روز پیش برخی مزدوران و مسئولین ارگان‌های سرکوب، از جمله مسئول سپاه پاسداران، معاین واحد بسیج، معاین اطلاعات بسیج و چند مزدور دیگر نشستی برگزار کردند که طی آن مسئله تسلیم اجباری روستائیان منطقه بانه مورد بحث واقع شد و سرکوبگران بعد از هفتگی موارد زیر را برای پیشبرد عملی این موضوع در برنامه خود قرار دادند. انسان

☆ اخبار جنبش نوده ای

در روستای "پیر عمران" که تعدادی از اهالی بر اعتراض به سیاست های رژیم دستگیر شده بودند، توده ها به اعتراضات یکپارچه ای دست زدند. اهالی روستا و خصوصاً زنان زحمتکش و دلاور طی یک حرکت اعتراضی مقر پاداران را در داخل روستا مورد

حمله انقلابی خود قرار داده و بر وینجره آن را درهم شکستند. آنها در ادامه اعتراضات خود به شهر رفته، جلوی فرمانداری بسط تظاهرات برداشتند و روی خویشتنهای برحق خود و از جمله آزادی دستگیر شدگان پای فشرودند.

در حرکتی مشابه، در روستای "قره چر" اهالی این روستا در اعتراض به سیاست های سرکوبگرانه مزدوران، به مقر جانشان داخل روستا، حمله کرده و در وینجره ساختمان محل استقرار مزدوران را درهم شکستند.

به سیاست تسلیح اجباری، سلاحهای با زور تحویل داده شده را پس می دهند. مزدوران که در مقابل این حرکت یکپارچه مجبور به عقب نشینی می گردند، طی یک طرح فریب آمیز مدعی می گردند که شب ها هر روستا دو نفر نگهبان داشته باشد، شاید آنه نقشه می کشند تا به این شکل سلاح های رژیم در دست مردم باقی بماند. اما توده ها به اعتراضات خود ادامه داده و در برابر این طرح ریاکارانه مزدوران نیز به مقاومت برمی خیزند.

دیواندره

نیروهای سرکوبگر رژیم، که تحت اعمال فشارهای بی حد و حصر به اهالی این منطقه و به ویژه روستاهای "کس نزان"، "باشلاخ"، "کانی چای"، "زرنیه"، "قره تور"، "هونو" و "گروه" با زور سرنیزه توانسته اند صوفای عده ای را صلح نمایند. اما اهالی به زور صلح شده این روستاها، در اعتراض

اواخر سردار ماه نیز با پاداران و جانش ها، برای صلح کردن اهالی روستای "حامیان" ضمن یورش به این روستا، از اهالی آن خواستند که صلح شوند. اما اهالی روستا نسبت به این حرکت سرکوبگران به مقاومت برخاسته و ضمن اعتراضات یکپارچه خود با مزدوران درگیر شدند.

در جریان این درگیری که مردم روستا با سنگ و چوب به مزدوران حمله نمودند، یک پادار به هلاکت رسید و چند تن دیگر زخمی شدند. در ادامه این درگیری، مزدوران تا به دندان صلح رژیم با آنها به سلاحهای متنوع خود کلبه اهالی روستا را بازداشت و روانه زندان می کنند. اما به قاصه کوتاهی زنان آزاد می شوند. زنان زحمتکش و قهرمان برای آزادی بستگان خود، دور پایگاه مزدوران جمع شده و متحد و پیکی خواستار آزادی کلبه دستگیر شدگان می شوند.

بوکان

مزدوران رژیم از صدمتی بیش برای تسلیح اجباری در این منطقه به تلاشهای گسترده ای دست زده اند، تا شاید شکست های خود در طی چند سال گذشته را بتوانند جبران کنند. مزدوران به اهالی بیشتر روستاهای "چوم مجید خان"، "ترغه" و بعضی از روستاهای منطقه "فیض اله بیبی" اعلام داشته اند که بایستی صلح شوند و جوانان نیز به سرسازنی بروند. سرکوبگران برای اعمال کنترل بیشتر و برای دست یابی به اهداف خود در روستاها، اقدام به تأسیس پایگاههای جدیدی نیز نموده اند، اما اهالی این مناطق به خواستهای مزدوران اعتنائی نکرده و حتی در برابر آن دست به اعتراض نیز زده اند، و به ویژه جوانان با به کارگیری شیوه های گوناگون، نقشه های سر باز گیری اجباری رژیم را نقش بر آب نموده اند.

سندج

در تاریخ ۱۲ سردار ماه، مزدوران رژیم به منظور تسلیح اجباری روستای "گر گزاره" به این روستا یورش بردند. این حرکت با اعتراض یکپارچه اهالی زحمتکش روستا روبرو شد و توده ها در مقابل این خواست ارتجاعی مزدوران مقاومت نموده و در ادامه اعتراضات خود با مزدوران درگیر شدند. سرکوبگران وقتی که خود را در مقابل خشم انقلابی و مقاومت یکپارچه توده ها می بینند، با گشودن آتش بر روی آنان دو نفر را مجروح می کنند. اما مردم این وحشیگری نمی توانند سیاست خود را پیش ببرند. از این رو، در تعقیب این سیاست ارتجاعی و برای رسیدن به اهداف خود، به راه های دیگری متوسل می شوند. از جمله اینکه امام جمعه "دهگلان" را به این روستا می برند تا به خیال خود از این طریقی به فریب و تحمیل توده ها بپردازند. در نهایت به سیاست های خود جامعه عمل بهرشانند. اما پساوه گوئی های امام جمعه مزدور نیز در اراده استوار آنان هیچ گونه خللی وارد نمی کند و به یکس برکناری فرمانده پایگاه و معاون او نیز برخاسته. هایشان آفروده می گردد.

مهاباد

روستاهای منطقه "شامیان" و به ویژه مردم روستای "گوج آباد" نیز از سوی نیروهای رژیم و به منظور تسلیح اجباری تحت فشار قرار گرفته اند. اهالی زحمتکش این روستا، همچون سایر روستائیان، در مقابل این سیاست ارتجاعی، دست به مقاومت زده و گفته اند در صورت ادامه اذیت و آزار و اعمال فشار جهت تسلیح، بعنوان اعتراض روستا را تخلیه خواهند کرد.

### ربط

رژیم جمهوری اسلامی که در مقابل ضربات ضمد پشمگران منطقه گچ و صیبت شیده و از تعرضات آنان به تنگ آمده است، همواره کوشیده است تا با اتخاذ شیوه های مختلف، و از جمله تسلیح اجباری توده های سیاسیهای ارتجاعی خود را پیش برد. از این رو اخیراً مردم روستاهای منطقه "گور مهن" را شدیداً تحت فشار قرار داده است. در همین رابطه سپاه پاسداران میرآباد با اخراج شوراهای چند

روستا و از جمله "توسان"، "نیلمان"، "پشمگران"، "اشخیل"، "کویستان"، "تالابان"، به میرآباد، خواسته اند تا از طریق این شوراها و جلب همکاری آنها و یا تحت فشار قرار دادن آنها به تسلیح مردم روستاهای فسوق بپردازند. اما این حرکت مزدوران رژیم با اعتراض زحمتکشان این روستاها و شوراها مواجه گشته است.

### اشتبوه

جانرها و قنودال های منطقه

"زیرا" که در ادامه سیاستهای ضد مردمی خود اخیراً از سوی رژیم مسلح شده اند، به فاصله کوتاهی بعد از این تسلیح، به دهقانان منطقه فشار آورده و اجازه بهای چند سال گذشته را از آنان طلب کرده اند. استاندار مزدور، بر تفتی که با این جیره خواران داشت، تسلیح اجباری مردم منطقه را به این خائنین گوشزد کرده و از آنان خواست که در این زمین حد اکثر تلاش خود را به کار برند.



## اعتراضات توده ای علیه

### سربازگیری اجباری

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست های ضد مردمی خود، از هیچگونه امنیت و آزار و اعمال متنگری نسبت به مردم کردستان دریغ نکرده است. اخیراً در بیشتر مناطق یا تحت فشار قرار دادن توده ها و اعمال تهدید و سرکوب علیه آنان، اقدام به سربازگیری اجباری نموده، تا از این طریق به تامین کبود نیروی انسانی، و استفاده از آنها در ارگان های سرکوب خود پرداخته و با اعزام به جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق آنان را به کوشش دم تری سرمایه داری داران و مترجمین تبدیل کند. بدنیال این اهداف ضدانقلابی است که مزدوران رژیم، به طسور ناگهانی به شهرها و روستاهای کردستان یورش می برند، به تفتیش خانه ها می پردازند، و جوانان را دستگیر و پیروز روانه پادگان ها و جبهه ها می نمایند. رژیم، که در مقابل با

جنبش انقلابی خلق کرد، و تعرضات بی وقسه پشمگران، به ضعف و زبونی خود پی برده است، با تمهید به چنین شیوه های مذبحانه، بر آنست تا ضمن خالی نمودن پیشست جبهه پشمگران از جوانان که به عنوان نیروی نخیروه پشمگران خلق گرد حساب می شوند، جنبش سلحانه خلق کرد را از منبع تغذیه خود محروم سازد.

اما اتخاذ چنین شیوه هایی از سوی رژیم تا کنون به اعتراضات یکپارچه و پایدار مردم سرتاسر کردستان پیروز شده و با شجاعت مواجه گشته است. از این رو هر جا که مزدوران رژیم برای پیشبرد عملی چنین سیاست ها و اهدافی قدم گذاخته اند، با اراده یکپارچه و صمیم آنها روبرو شده اند. نمونه هایی از این اعتراضات که در زیر می آید بین این واقعیت است.

نمودند، آنان طی اطلاعیه تهدید آمیزی که در شهر و حومه آن بخشر کردند، اعلام نمودند که ضمنین ضلوع سال ۱۳۴۸ می بایستی سریعاً خود را به پادگان ها و دیگر مراکز سرکوب رژیم معرفی نمایند.

در تاریخ ۱۴/۴/۶۴ نیز سپاه پاسداران منطقه "آلان" به همین شیوه و طی یت اطلاعیه که برای ۲۴ روستای منطقه صادر شده است، در پی برآوردن اهداف ارتجاعی خود بوی آیند. اما از آنجا که خود مزدوران، از روحیه انقلابی توده ها و مقاومت آنان در قبال چنین اطلاعیه های خوب آگاهند، منتظر معرفی جوانان نامیده و با تجمع نیروهای سرکوبگر خود، حمله گنرده و شیانی را به روستاهای این منطقه آغاز کرده و با ایجاد جبر و وحشت و اعمال فشار در روستاهای "پاسک کوله سد" و روستاهای "قوتسی"، "بناولیه"، "شینوی"، "برسوی" و... به دستگیری جوانان می پردازند. جوانان دستگیر شده ضمن اعتراض، بیست به مقاومت زده، و بیشتر آنان موافقت به فرار از دست مزدوران زده برخی اجباراً روانه پادگان های رژیم می شوند.

در تاریخ ۶۴/۴/۶۴ نیز روستای بیسوی از جانب مزدوران سرکوبگر مورد هجوم واقع شده و از آنجا خواسته می شود تا فرزندان

رژیم در کردستان دست یاقه و بدان ها جامه عمل بیوشانند، چندی پیش در منطقه سردشت به شکل گسترده ای اقدام به سربازگیری اجباری

مزدوران سرکوبگر، که در پی آنند تا به طسور مختلف، به اهداف ضد مردمی

اقتضایات توده ای علیه سوزنازگیری اجباری

خود را به عنوان سوزناز تحصیل مزدوران داده و یا به سراز سربوب بفرستند.

مزدوران رژیم همچنین با حمله شبانه و ناگهانی به بسیاری از روستاهای منطقه پردشت و به محاصره در آوردن آنها به تفتیش خانه ها پرداخته و هر جوانی را که می یابند دستگیر و اجباراً روانه پادگانها می کنند. اهالی بیشتر روستاهای منطقه در مقابل این شیوه ها دست به اعتراض زده و برخی از اهالی در اعتراض به این سیاست های ارتجاعی و سربوبگرانه رژیم، روستاهای خود را تخلیه کرده و آواره گوها شده اند.

در تاریخ بیستم مردادماه نیز مزدوران رژیم، دوازده نفر از جوانان روستای "میرای" در محور جاده پردشت پیرانشهر را دستگیر نموده اند تا آنها را به پادگان ها و جبهه ها بفرستند. والدین دستگیر شدگان، جهتاخرین ملاقات با فرزندانشان به مرکز پناه مراجعه می کنند اما مزدوران رژیم مانع انجام این ملاقات و بیدار می گردند. مردم

نیت به این حرکت سوز وران شدیداً اعتراض کرده و با سب و چوب به آنان حمله ور می شوند. سپهر با ایجاد مانع در مسیر مسائل نقلیه آنها، از بسردن فرزندانشان جلوگیری کرده و ضمن شعار دادن علیه مزدوران و شکنجه شیشه های ماشینهایشان با آنها درگیر می شوند و خشم و نفرت خود را از این جیره خواران جنایت کار به نمایش می آورند.

در منطقه ربط نیز مزدوران جیره خوار، مدتی است که به شکار جوانان، دستگیری و روانه کردن آنها به پادگانهای رژیم با زور ادامه پرداخته اند. بیشتر جوانان این منطقه نیز از رفتن به سربازی خود داری کرده و با نگاه بسردن به گونه ها عملاً سیاست رژیم را در این زمینه به شکست کشانده اند.

در منطقه اشویه نیز مدتی پیش رژیم اقدام به سوزنازگیری نموده است و با به کارگیری املحه و اعمال زور و سربوب هشتاد نفر از جوانان را دستگیر و روانه پادگان ها نموده است. مزدوران رژیم که پدین منظور به روستای "در بند" یورش می برند، با اعتراض و مقاومت دلاورانه زنان زحمتکش این روستا روبرو می گردند.

سیاست آزار و اذیت زحمتکش جوان نشانه ترس و زبونی رژیم در مقابل جنبش انقلابی خلق کرد است!

پیرانشهر

ضربات پی در پی پشمرگان قهرمان به مزدوران رژیم در منطقه پیرانشهر، خواب و قرار آنها را گرفته است. مزدوران، نه تنها جرات بیرون خزیدن از سوراخ های خود را ندارند، بلکه با تمامی تجهیزات و امکانات خود، حتی در سوراخ های خود نیز

کترین امنیتی را احساس نمی کنند. از اینرو، برای جبران شکست های خود و برای زهرچشم گرفتن از توده های خلق کرد، چندین قبل، مزدوران چندین روستای منطقه را به تیر و خیمه بستند که ضمن آن مواد مخفنی و محصولات روستاییان به آتش کشیده شد.

همچنین، تعدادی از جانش های خائن و خود فروش به روستای "کاولان" یورش برده و ضمن اذیت و آزار اهالی، محصولات و مواد مخفنی را به آتش می کشند. مزدوران رژیم که از هیچگونه عمل جنایت آمیزی در جهت آزار روستاییان دریغ ندارند اخیراً به سیاست های سربوبگرانه خود ابعاد وسیعی بخشیده اند. در تاریخ ۲۳/۴/۲۴ نیز تعداد یکازده ماشین پر از جاش، پامیدار و بیجی که از روستای "گوده بن"

عازم نقشه بودند، به اذیت و آزار اهالی روستاهای پشمر سوزنازند، آنان از جمله بطرز وحشیانه ای به روستاهای "کیله امیران" حمله برده و ضمن تیراندازی و ایجاد رعب و وحشت در میان اهالی، به خانه های مردم ریخته و وسایل قیمتی و قابل حمل را از قبیل رادیو، ضبط صوت، پول و ... به غارت می بپردازند.

بدنیال عملیات انقلابی و پیروزمند پشمرگان قهرمان در منطقه پیرانشهر که طی آن رژیم محصل ضربات جدی شد، مزدوران سربوب مستقر در پادگاه ورمش و بطام به خود را به حمل درگیری می رسانند و هنگامی که با جسد دیگر مزدوران روبرو می شوند، دیوانه وار به روستای "سه لانه" یورش برده به اذیت و آزار و اذیت کاری روستاییان می پردازند و سپس با درنده خوئی تمام به هر صوفی و حتی به دام ها و احشام تیراندازی می کنند. مزدوران جنایتکار، طی این یورش و "شبیانه" خود چند نفر را مجروح کرده و سرودست چند نفر دیگر را می شکنند، آنان همچنین در آج نتوانی خود به یک ترانکوور روستا نیز آسیب می رسانند.

همچنین بعد از عملیات پشمرگان در روستای "سیلوی" و وارد آمدن ضربات کاری بدشمن، مزدوران، برای جبران ضربات وارده با املح بیضری و شقاوت روستای فوقی را به خیمه و تیر می بندند. ضمن ایجاد رعب و وحشت در میان اهالی، به تیراندازی های مداوم می پردازند. که در اثر آن یک زن زحمتکش زلفی می شود و صحت زمستانی اهالی آتش گرفته و یک خانه بکنی در آتش می سوزد.

همچنین در روستای "قادرگان" در تاریخ ۲۴/۵/۲۴ سربوبگران رژیم در اقدام و جبران شکست های پی در پی خود، با یورش وحشیانه به این روستاها سمیت به جان روستاییان می افتند و یا ارتکاب اعمال وحشیانه، کلیه سخت زمستانی روستا و نیز تعداد ۹ خانه را به آتش می کشند.

در تاریخ ۲۴/۵/۱۱ یکجی



سیاست آزار و اذیت تحکشان ...

از مزدوران در روستاهای موغان پرویی یکی از اهالی تیراندازی کرده و او را زخمی می کنند، این مزدور همیشه به روستای نزدیک می شود، مورد حمله او واقع می گردد، روستائیان که متوجه تیراندازی می شوند، خود را به محل رسانده و به مزدور رژیم حمله ور می شوند. سرکرگان که متوجه این صاله شده اند، خود را به محل رسانیده و چند نفر از اهالی را دستگیری کنند. اما از آنجا که با اعتراض اهالی روستا می گردند، مجبور به آزاد کردن آنان می شوند.

همچنین چندی پیش نیز عده ای از جاش ها و پاسداران طی یک پورش وحشیانه به روستای نامنجه به اذیت و آزار آنها می پردازند که با اعتراض روستائیان روبرو می شوند.

سرودشت

طی ماه های اخیر، بسیاری از اهالی روستاهای منطقه سرودشت تیز مورد اذیت و آزار و حتی اخاذی مزدوران رژیم قرار گرفته اند. در تاریخ ۱۴/۴/۶۴ سرکرگان متصرف در پایگاه گردته به روستای گوله و چند روستای دیگر در منطقه بازر سرودشت رفته و ضمن توهین و اذیت و آزار اهالی روستا را سرکوبه می کنند، از یکی مبلغ ۷۵ تومان و از دیگری ۲۵۰ تومان اخاذی نموده و سپس برای ایجاد رعب و هراس بیشتر اقدام به تیراندازی های بی دردی می کنند. آنان در ادامه اعمال جنایت کارانه خود، اطراف روستای "درمان آوی" را تپ و خمپاره باران می کنند که در اثر آن دو نفر از اهالی زخمی می شوند. آنگاه با پورش وحشیانه به این روستا، اذیت و آزار مردم تحکشان و خراب کردن کبرهائی که آوارگان پیماران های هوایی سرودشت بمنوان سرنگاه برای خسور ساخته اند، جنایات خود را تکمیل می کنند.

همچنین در جریان خمپاره و

تپ باران منطقه "باوار" دو نفر از افراد رژیم نیز کشته می شوند و کسی که مزدوران از این صومع با خبر می شوند، مردم منطقه را تحت فشار قرار داده، به آزار و اذیت و شکنجه آنان می پردازند. اما، اعمال این وحشیگر، ها، مورد اعتراض مردم واقع می شود، که در همین رابطه روز ۱۴/۴/۶۴ دکان داران بازار "درمان آوی" بمنوان اعتراض مغازه های خود را تعطیل کرده، و با مراجعه به فرمانداری، ضمن اعتراض خواست های خود را عنوان می کنند.

مزدوران رژیم که از هیچگونه اعمال زور و اذیت و آزار علیه اهالی روستاها دریغ نمی کنند، اخیراً نیز در منطقه سرودشت،

عده ای از آنان تحت عنوان پیشمرگه، به میان آوارگان رفته و از آنها پول می گیرند. کار مزدوران جنایت کار رژیم بجایی رسیده است که علناً به اخاذی و بزدی می پردازند. در روستای نعلاس با اعمال زور و تهدید از چندین نفر اخاذی کرده و ضمن حمله به یک زن روستایی و کتک کاری او گوشواره هایش را به سرقت می برند.

نقده

در تاریخ ۱۴/۴/۶۴ پاسداران مزدور، با همدستی جاش های خود فروس، بطرز مپمانه ای به روستاهای قره قصاب از روستاهای نقده پورش برده و ضمن دستگیری چند نفر از اهالی، آنها را وحشیانه به باد کتک و بی حرصی می گیرند. سپس با هجوم به خانه یکی از اهالی بنام کاک عبدالله شریفی او را به شهادت می رسانند. مزدوران فدای آنروز به روستای مذکور مراجعه کرده و با کمال بی شرمی و وقاحت، جنایات خود را به پیشمرگان نسبت می دهند.

همچنین نیروهای رژیم، طی یک پورش گسترده و وحشیانه به روستاهای و حشیاخان، منطقه را اشغال نموده و حرکات سرکرگانه خود را علیه روستائیان آغاز می کنند. مزدوران جنایت پیشه، که در پورش سال

گذشته نیز، برخی از روستاهای این منطقه را آتش زده بودند، ضمن این حمله وحشیانه، روستاهای "بازوگیشان" و "هه وشیان" را به آتش می کشند و در روستای "پرایه" به اذیت و کتک کاری و شکنجه اهالی می پردازند. بطوریکه از شدت این اعمال وحشیانه دو نفر بیپوش می شوند.

مهاباد

اخیراً روستای "سرتان"، از روستاهای مهاباد، مورد پورش عده ای از جاش های خود فرخته "مکور" واقع شد، که ضمن آن از یکی از اهالی خواسته می شود که اجاره هفت سال گذشته را به این مزدوران بپردازد. اهالی نسبت به این امر به شدت اعتراض کرده و تعدادی به مزدوران حمله می برند، جاش ها عقب نشینی کرده و حرف خود را پس می گیرند، اما توده های خشمگین به تعرض خود ادامه داده و آنها را از روستا فراری می دهند تا اینکه فرمانده پایگاه سرکرگان، جلو حرکت مردم را گرفته و جاش های خائن را نجات می دهد.

همچنین در روستای "ی هنگون" و "بناگردان" جاش ها دست به عمل مشابهی زده اند که با اعتراض مردم روبرو شده است.

در تاریخ ۱۴/۵/۶۴ جاش های خود فرخته به روستای قره چلان حمله برده و اهالی روستا را از خانه ها بیرون کشیده و پس از اذیت و آزار و بی حرصی نسبت به آنان، اموال اهالی را غارت می کنند. مزدوران همچنین یکی از اهالی را دستگیر کرده و قصد برون آوردن دارند، که با اعتراض توده ها مواجه می شوند. اهالی روستا به شهر مهاباد رفته و نسبت به این حرکت وحشیانه مزدوران و چپاول اموال شان نسبت به اعتراض می زنند.

چندی پیش روستای "هاجیرده" نیز مورد حمله جاش ها و پاسداران قرار گرفت و مزدوران ضمن تهدید و تحت فشار قرار دادن توده ها، به

سیاست آزار و اذیت ...

غارت اموال روستائیان می پردازند اهالی معتبر، باین حرکت، برای رسیدگی به این صالسه، به شهر مهاباد می روند. اما در آنجا نیز، ضمن آنکه به خواسته آنها توجهی نمی شود، مورد توهین و تحقیر مزدوران قرار می گیرند.

اهالی روستاهای "اغوظان" و "گرگه" نیز تحت فشار و شکنجه مزدوران قرار گرفته اند، چند خانواده از اهالی روستای "گرگه" بعنوان اعتراض کوچ کرده اند.

پاسداران مزدور با همدستی جانرهای در تاریخ ۶۴/۵/۸ به روستای جوریمی در منطقه بارجه چایی آورده یورش می برند و با تهل به اسلحه و اسلک زور و تهدید و به اخاذی از اهالی روستای پردازند.

روستای "نتان" از روستاهای منطقه وسط در تاریخ ۶۴/۵/۱۶ مزدوران قرار می گیرند. سرکوبگران، ضمن به آتش کشیدن محله و کشتن اهالی، آنان را تهدید می نمایند که چنانچه پیشمرگان اقدام به کشتن می کنند و یا به آنها حمله کنند، روستا را تماما به آتش خواهند کشید.

یکی از مزدوران، در روستای "کویره گویز" از روستاهای سقز ضمن تهدید یکی از زحمتکاران از او طلب ۵۰۰۰ تومان پول می کند. فرد زحمتکش که فقط مبلغ ۵۰۰۰ تومان داشته است، از ترس موجودی خود را به وی می دهد، اما جانش جانان گار به قصد اخذ سیلخ بیشتر او را اقتدر می زند، که به شهادت می رساند.

به دنبال صلیات موفقیت آمیز

پیشمرگان در روستای حسین آباد از روستاهای بکان مزدوران در تاریخ ۶۴/۵/۱۸ به ایسن روستا و حشیانه یورش برده و با حاصره آن، به آزار و اذیت مردم می پردازند و هنگام مراجعت چهار نفر از اهالی را دستگیر کرده و با خود می برند.

روستاهای منطقه پانه نیز از حمله و دزدی و اذیت و آزار فارتگران سرکوبگر در آسکان نمانده است. مزدوران در مسیر روستاها به کین می نشینند و دست به چپاولگری و اخاذی می زنند. در تاریخ ۶۴/۵/۱۶ مزدوران با همدستی جانش ها به روستای "پرتیجیان" یورش برده و موجب آزار و اذیت اهالی می شود، مزدوران در مسیر راه خود یک نفر را دستگیر نموده و با خود می برند، سرانجام در بین راه او را به شهادت می رسانند.

چند خبر از شهرهای کردستان

مهاباد

چند روز پیش شهر دار مهاباد حدود دههت نفر از کهنه و بازاریان را جمع کرده و طوسی سخنانی از آنها می خواهد، که برای بهبود فضای شهر و نیز برای تأمین نیازهای جبهه، به مزدوران کمک کنند، او همچنین از آنان می خواهد که با پاسداران همکاری ننوده و از نشسته شدن شمار بر روی دیوارها جلوگیری کنند، که ضمن اشاره به گرانی و وضعیت وخیم اقتصادی، از بر آوردن خواست های شهر دار سر باز زده می گویند. "ایسن رژیم است که می بایستی به مساکت کند و باید برای تأمین آسایش و رفاه عمومی اقدام کند. آنان همچنین اضافه می کنند که ما نمی توانیم از نوشتن شعارهای متعلق به جنبش جلوگیری نصائیم

در تاریخ ۶۴/۴/۲۸، در شهر مهاباد بین نیم های مهاباد و ارضیه مابقیه فوجبال

سندج

محل "خدر زنده" واقع در "آبدر" و بیرون از شهر سندج واقع است، که معمولاً به عنوان محلی برای گردش و استراحت و دور بودن از محیط نظامی شهر مورد استفاده قرار می گیرد.

چندی پیش دهه ای از مردم سندج به این محل رفته بودند که از طرف پادگان شهر این محل زهر آتش تب و خیماره قرار می گیرد و بواسطه این عمل جنایت کارانه یک نفر کشته و هفت نفر زخمی می شوند.

کارگران بیکار که معمولاً برای پیدا کردن کار در میدان این شهر و خیابان سروس جمع می شوند، در تاریخ ۶۴/۴/۳۱ مورد یورش مزدوران رژیم قرار می گیرند. مزدوران شهرنایچی برای اذیت و آزار آنان، میدان و خیابان مذکور را به حاصره در آورده و حشیانه به جان کارگران می افتند و دشمنی خود را با کارگران و نیز ترسشان را از تجمع آنان به نمایش می گذارند. این عمل حشیانه مزدوران رژیم با اعتراض مردم و مقاومت کارگران روبرو می شود. اعتراضات توده ها به تدریج بالا می گیرد تا در صفحه ۲۱

برگزار شده که تعداد کثیری برای تماشای محل برگزاری مسابقه رفته بودند. در پایان مسابقه جمعیت شروع به خواندن سرود "شهی ره قیاب" (سرود طوسی کردستان) نمودند. مزدوران که از این حرکت خشکیمن شده و خواستند جلو این عمل را بگیرند، نه تنها موفق به این امر نگشتند، بلکه مورد حمله مردم نیز قرار گرفتند. تماشاچیان پس از این درگیری دست به تظاهرات اعتراضی زده به بیرون محل مسابقه حرکت کردند و ضمن دادن شعار با چند تن از مزدوران درگیر شدند که منجر به زخمی شدن مزدوران گردید. پس از آنکه نیروهای سرکوبگر کسی به محل رسیدند. مزدوران توانستند دهه ای از جوانان را دستگیر نمایند.

همچنین مزدوران رژیم، شب ها رفت و آمد با موتورسیکلت را در این شهر منع کرده اند. اما اهالی به این صفت رژیم اعتراضی کرده اند.

شب ۶۴/۴/۵ در همین رابطه گشت شارالسه با هده ای از مردم درگیر می شود که آنها نیز با دادن شعار در چند کچه و خیابان علیه مزدوران دست به تظاهرات می زنند.



### نگاهی کوتاه به ...

از صفحه ۲۶

تبدیل کند، به کمک ارگانهای سرکوب خود، و با یاری گرفتن از عوامل مترجع و مزدوران سرسپرده اش، ضمن توسل به شیوه های مختلف از تهدید و ارباب گرفته تا فریب و تحمیق، مذبوحانه تلاش نموده است تا این آوارگان را به شهرها و خانه های مخروبه و ویران شده شان بازگرداند.

اما اتخاذ چنین تاکتیک های فریب کارانه و تهدید آمیز از سوی رژیم، نه تنها برایش هیچ موفقیتی در بر نداشت، بلکه همواره از سوی توده های مقاومت سرمختانه روبرو گشته و تبعات آن دامن خود رژیم را گرفته است. توده ها علیرغم همه تلاش های مذبوحانه رژیم و علیرغم وضعیت سخت یاری که بر زندگی شان حاکم است، از بازگشت به شهرها و تکمین به حامیان و حافظان سرمایه سرپا زده و نسبت به سیاست های ارتجاعی رژیم دست به اعتراض زده اند. موارد زیر نمونه هایی از مقاومت توده های آواریز زحمتکش شهرهای کردستان را آشکار می سازد.

#### بانه

شهر بانه، از جمله شهرهایی است که در جریان آپارتن بیماراران ها، خسارات فراوانی بخود دیده و بسیاری از محله ها و خانه های مسکونی آن با خاک یکسان شده است. مردم زحمتکش بانه، که همه همتی خود را از دست داده اند، مجبور به ترک شهر ویران شده خود گشته و با حد اقل لوازم زندگی، برای حفظ جان خود به کوهها و روستاهای اطراف شهر از جمله روستاهای "سیت لو"، "کانی سور"، "کوی پیچ"، "سوی"، "زواو"، "سویچ" و دیگر روستاها، پناه برده اند و در وضعیت فلاکت یاری بسر می برند. کمبود مایحتاج اولیه زندگی، فقر و بیبیماری، نبود امکانات اولیه بهداشتی

و درمانی، بیکاری و گرسنگی، کمبود نان و دیگر ضروریات غذایی و حتی آب که گاه ها توسط تانکر از شهر آورده می شود، آنچنان شرایط سخت و طاقت فرسایی را برای مردم زحمتکش این منطقه بوجود آورده است که ادامه از تحمل ناپذیر است.

اوائل مرداد ماه، استاندار کردستان به دنبال اهداف ارتجاعی خود و به خیال سرگرداندن بخشی از مردم آواره شهر بانه، که به روستای "کانی سور" پناه برده بودند، در مقابل آنیوهی از ایمن آوارگان به سخنرانی تهدید آمیزی دست زد و با حمله های مختلف از آنان خواست که به شهر بازگردند، او همچنین خطاب به اهالی مطرح نمود که اگر از بازگشت به شهر امتناع کنند، کوبن های خوار و بار آنها را قطع خواهد کرد. اما این تهدیدات فرماندار مزدور، نه تنها ترسی به دل توده های آواره و بجان آمده نیانداخت، که مقاومت آنان را نیز برانگیخت و زحمتکشان آواره پیشینی ارزش برای عامل رژیم و تهدیدات او قائل گشتند و ناصبرده بدون آنکه هیچ نتیجه ای عایدش شده باشد، عمل را ترک کرد.

چندی پیش نیز مزدور دیگری و این بار از حوزه "علیه" قم به روستای "سیت لو" که تعداد کثیری از آوارگان جنگ زده شهر بانه را در خود جای داده است، رفته و به شکل مزدورانه و شیادانه ای از آوارگان خواست که به شهر برگردند، در حین سخنرانی نامبرده، یکی از آوارگان از جای خود بلند شده و می گوید: "شما نیروهای خود را از شهر خارج نموده اید و حال به ما می گویند که برگردیم به شهر؟" در این هنگام، فرماندار مزدور شهر بانه و فرمانده پاسبان پاسداران این شهر که آخوند قریبکی را همراهی می کردند، برای آنکه امکان هرگونه مقاومتی را از سوی توده ها سلب کرده باشند، به ارباب فرد مزدور پرداخته و با سخنان تهدید آمیزی خطاب به وی می گویند که: "ما ترا می شناسیم!" و به ایمن شکل برای او خط و نشان

می کنند. اما آوارگان جنگ ارتجاعی با حمایت فعال خود از فرس معترض، متحدان دست به مقاومت زده و کلیه سیاست ها و نقشه های ارتجاعی مزدوران را نقش بر آب می کنند. و آنان بدون آنکه از حمله های خود طرخی بیندند، مجبور به ترک روستا می شوند.

همچنین در جریان بیماراران های هوایی شهر بانه، علاوه بر آنکه بسیاری محله ها و مناطق مسکونی این شهر ویران گشته، و به تکی از خاک تبدیل شده است، مآخذهای ادارات نیز از ویرانی صحن نمانده و بسیاری از آنها تخریب و به ویرانه هایی تبدیل گشته است. کارمندان ادارات که هر روز در معرض خطر بیماراران های هوایی قرار دارند و از هیچگونه تأمین برای حفظ جان خود برخوردار نمی باشند، آواره اطراف شهر و روستاها گشته و به برپا داشتن کپروچار پرداخته اند و کارهای اداری خود را در زیر این کپرها و یا در داخل چادرها انجام می دهند.

مزدوران رژیم، با اعمال تهدید و فشار از آنان خواسته اند به شهر و به زانگه هایی که توسط رژیم در جوار ادارات ساخته شده است برگردند، اما کارمندان در مقابل این خواسته مزدوران دست به مقاومت زده و به تهدیدات آنان و قسمی نگذاشته اند و همچنان در بیرون از شهر بسر برده و به انجام کار مشغولند. تعدادی از آنان نیز در اعتراض به سیاست های ارتجاعی رژیم و اعمال تهدید از سوی عمال آن از کار خود استعفاء نموده اند.

#### مردشت

در تاریخ پانزدهم تیرماه، شهر مردشت مجدداً مورد هجوم وحشیانه بمب افکن های رژیم عراق قرار گرفت و طی آن تعدادی دیگر از مردم کشته و زخمی شدند. مردم زحمتکش مردشت، بدنیال ایمن بیماراران و بیماراران های قبلی و برای نجات جان خود، خانه های مسکونی ویران شده خود را ترک کرده، آواره و سرگردان و با حد اقل وسایل زندگی به روستاهای اطراف شهر پناه برده اند. اوضاع زندگی

و معیشتی این بخش از توده ها، همچون دیگر آوارگان جنگ ارتجاعی جاری، در سراسر کردستان، به شدت وخیم است. کمبود مواد غذایی و نبود حد اقل مایحتاج اولیه زندگی، فقدان هرگونه لوازم اولیه بهداشتی و درمانی که موجب شیوع ایضام بیماریها می شود، ضمن آنکه منسک کننده وضعیت عمومی توده های آواره است، حیات آوارگان سردشت را نیز به طور جدی تهدید می کند.

در جریان این بهاران هاه عده ای از آوارگان شهر سردشت بدنبال سریناه راهی روستای کویستان شده به آنجا پناه می برند. توده های آواره و متفرد از جنگ ارتجاعی که از ستم سرکوبگران به جان آمده اند، علیه جاشها و دیگر مزدوران جیره خوار رژیم، دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده و با آنان درگیر می شوند. توده های آواره ضمن محکوم نمودن سیاست های جنگ افروزانه رژیم، خشم و نفرت عینی خود را نسبت به جنگ ارتجاعی به نمایش می گذارند. جاشها و دیگر مزدوران رژیم که در ابتدای آن داشتند که مانع حرکت اعتراضی آوارگان شوند، وقتی که با انبوهی از توده های ضد و خشمگین روپیسرو می گردند، مجبور به عقب نشینی می شوند. در انجام و پس از آنکه نیروهای کمکی سرکوبگران به محل می رسند، مزدوران را از جنگ توده ها نجات داده و در این میان نشر از آوارگان دستگیر می شوند.

همچنین مدتی پیش مردم آواره ای که در روستای شیوه به سر می برند، در اعتراض به وضعیت عمومی خود، برای محکوم کردن سیاست های ارتجاعی و جنگ افروزانه رژیم دست به تظاهرات می زنند. مزدوران رژیم، جهت کنترل هر چه بیشتر آوارگان منطقه و برای ادامه سیاست های سرکوبگرانه خود، به ایجاد مقر در مجد روستا می پردازند. این صالیه موجب برانگیخته شدن خشم و کینه بیش از حد آوارگان و همچنین اهالی روستا می شود، آنان متحد و یکپارچه خواستار خروج مزدوران از روستا می شوند.

### نگارشی کوتاه در

سرکوبگران و جیره خواران رژیم در پشت رژیم وقتی که خشم و نفرت توده های به شدت با می بینند، در سراسر کشورش این حسرت اعتراضی، به مسیحت عقب نشینی کرده و قول می دهند که مجدداً تخلیه کنند، اما توده های ستمدیده روی خواست عمومی خود که همانا اخراج مزدوران از روستا است پای می فشارند.

روستای کویستی یکی دیگر از روستاهای اطراف و نزدیک شهر سردشت نیز که بسیاری از آوارگان جنبه ارتجاعی را در خود جای داده است در این ماه شاهد اعتراضات آوارگان جنگ ارتجاعی بود. فرماندار مزدور سردشت، در ماه تیر، به اتفاق عده ای از پامنداران سرکوبگر به روستای کویستی رفته و خطاب به آوارگان، ضمن یکن برخی از اچیف، برگشتن آنان را به شهر تشویق می کند. او که در خلال سخنرانی خود برخی اعلامیه ها و تراکت های نیروهای مخالف رژیم را بر درو دیوار روستا می بیند، به شدت برافروخته شده و ضمن یاورگوشی، به ارباب توده های آواره می پردازد و حتی آنها را به قتل کوبن های خوار و یار تهدید می کند. اما سخنان فرماندار از سسوی توده ها با اعتراض شدید صواجه می شود، آنان علیه تهدیدات و یاره مراثیهای نامیده و علیه سیاست های ارتجاعی رژیم دست به تظاهرات اعتراضی آمیز زده و با خشم و کینه انقلابی به سوی بی حمله ور می شوند. فرماندار مزدور که اوضاع را بدین متوال می بیند، برای نجات جان خویش مجبور به ترک روستا می شود. پامنداران ارتجاعی برای آنکه فرماندار بتوانند از جنگ توده های خشمگین در برود، با اسلحه کالیبر ۵ به سوی سردم تیراندازی می کنند. اما توده های زحمتکش و انقلابی تا بیرون راندن کلیت سرکوبگران و فرماندار مزدور

به تظاهرات تعرضی خود ادامه می دهند.

### میریوان

شهر میریوان نیز یکی دیگر از شهرهای صرزی کردستان است که از اوائل جنگ ارتجاعی ایران و عراق تا کنون، چندین بار مورد هجوم و حنیانسه و بهاران های هوایی قرار گرفته است. طی بهاران های زمستان گذشته و بهار امسال نیز شهر میریوان مورد یورش بمافکن های عراقی واقع شد و به شدت بهاران گردید و خسارات و آسیبهای فراوانی به آن وارد آمد. طی این بهاران های جنایتکارانه، دهها نفر از اهالی زحمتکش میریوان جان خود را از دست داده و بسیاری از آنان زخمی شدند، دهها خانه و فضاخه یا خاک پیکان شد و هزاران نفر آواره کوهها و روستاهای اطراف و با سایر شهرها شده اند.

بسیاری از افراد کهنسال خانواده ها، بچه های کوچک و زنان حامله، در کپرو دار این آوارگی و نقل و انتقال جان خود را از دست داده اند. بخش اعظم این آوارگان را مردم زحمتکش محله های فقیرترین میریوان مانند محله "کله دیو"، تازه آباد، "محلله" بلچه سوریه کسان و محله جنگ بانی تشکیل می دهند که تحمل بدترین لطمات شده اند، آنان اگر چه فاقد هرگونه خانه ای بودند اما با برپا داشتن آلوئه هاکی در حاشیه شهر مسکن گیده و زندگی می کردند. ساکنین این محلات روستایانی هستند که بدنبال نقدهای نان روستاهای خود را ترک کرده و عموماً جهت کار و امرار معیشت بخور و نمیر به شهر روی آورده اند. مردم شهر میریوان از رهگذر جنگ ارتجاعی، دچار همان فشارهای تحمیلی و تمیسات بهاران های هوایی اند که اهالی دیگر شهرهای کردستان هستند. بسیاری از آنان برای خروج از شهر و عزیمت به روستاهای اطراف و یا دیگر شهرها، با مشکلات متعددی مواجه اند، بطوری که حتی

### نگاهی کوتاه به ...

پول برداخت کرایه حمل و نقل برایشان سنگین و غیر ممکن است و برخی از آنها برای تهیه چنین هزینه‌های مجبور به فروتنی همان حداقل و سالی که احیاناً از هجوم بیماران در آن مانده است می‌باشند.

قربانیان جنگ، بعد از همه اینها و از سرگردانیدن این مشکلات اولیه به خیل آوارگان بی پناه پیوسته و در دل همان مشکلات عمومی کلیه آوارگان، همیون نبود محلی برای امکان و کمبود مواد غذایی، و ما محتاج اولیه زندگی می‌گردند. نبود امکانات بهداشتی، درمانی و دارویی برای آنان به مشکل بسیار بزرگی تبدیل شده است. پیوسته برای آندستنه از آوارگان که مجبور شده اند در نقاط پرت و دورافتاده اطراف بمانند. برای مثال عده ای از این آوارگان پس از استقرار در محلی به نام "کولان" دست به ایجاد کبچ زده و به عنوان سرپناه در آنجا زندگی می‌کنند، آنان از هرگونه امکان

ایجاد کنند و از سوی دیگر از اعیال هر گونه ستم نسبت به آوارگان دریغ نمی‌کنند، از جمله هجوم پخشیه به کبچه‌هایی که از سوی آوارگان در نزدیکی روستای "کولان" بر پا شده است، مزدوران رژیم طی این یورش دست به تخریب کبچه‌ها زده و به آزار و اذیت آوارگان پرداختند اما این عمل سببانه عمداً ارتجاع نیز با اعتراض شدید آوارگان رو بر رو شد.

#### \* پیرانشهر

بیماری از مردم زحمتکش پیرانشهر نیز در جریان بیماریان های اخیر و پس از تحمل خسارات فراوان، برای حفظ جان خود، به روستاهای اطراف شهر پناه برده اند. مزدوران رژیم با توسل به شیوه های مختلف و با تهدید و ارباب آوارگان، از آنها می‌خواهند که به شهر بازگردند. اما وقتی که با مقاومت توده ها مواجه می‌شوند، بر شدت تهدیدات خود می‌افزایند و آنان را تهدید می‌کنند که در صورت سرپیچی اهالی از بازگشت به شهر، خانه و اموال آنها به نفع رژیم مصادره می‌شود. اما آوارگان این تهدیدات مزدوران را به چینی نگرفته و همچنان به مقاومت خود ادامه می‌دهند.

درمانی بی بهره اند و برای مداوا و معالجه بیماران خود، می‌بایستی بتوانند خودشان را به روستاهای "چناره"، قلعه جی، و یا روستای "سروآبار" برسانند که از برخی امکانات درمانی و دارویی که آنهم در اختیار خود مزدوران است، برخوردار می‌باشند. لذا از این طریق می‌بایستی اولاً محمدعلی هزینه های بیشتری بشوند و در تاسی معالجه و درمان بیماران در صورتی امکان پذیر می‌شود که خود مزدوران بیمار یا زخمی نداشته باشند. این بخش از توده های آواره، به علت همین محدودیت ها و به علت نداشتن امکانات درمانی و دارویی تا کنین درهما کودک خود را از دست داده اند.

مردم آواره میروان، علیرغم تحمل این همه فشارهای ناشی از جنگ و پیرانگسر و خانمان براندازه از آزار و اذیت مزدوران و جیره خواران رژیم نیز بی بهره نبوده اند، سرنگران در تلاش اند تا با شیوه های مختلف از طرفی مانع اتحاد و یگانگی آنها شوند - فنی المثل با دادن کوبن مواد غذایی به عده های و محروم کردن عده ای دیگر بر آنند که میان آنان نفاق

### چند خبر ...

آنجا که در حمایت از کارکنان بیگار با پلیس درگیر می‌شوند.

مزدوران که از ادامه حرکت اعتراضی و مقاومت بیکارچه توده ها، به هراس افتاده بودند اقدام به تیراندازی می‌کنند. توده ها بر حرکت تعرضی خود شدت بخشیده و مزدوران را مجبور به عقب نشینی و نهایتاً ترک محل می‌کنند.

محل "کانس کوزه له" یکی از محله های فقیرنشین شهر می‌باشد زحمتکشان ساکن این محله از حداقل لوازم اولیه زندگی بی بهره اند. در این محله فقط دو شیر آب موجود است که ساکنین محله از آن استفاده می‌کنند، اما از آنجا که کفاف صرف محله را نمی‌کند آنان برای رفع این کمبود، آب مورد نیاز خود را از محله های دیگر تأمین می‌کنند. ساکنین این

محل حدود دو ماه است که از مسئولین سازمان آب تقاضای آب کرده اند، ولی مزدوران رژیم نصبت به این خواست اولیه توده های فقیر و زحمتکش بی اعتنا بوده اند.

روز ۱۴/۴/۶۴ ماشین گشت مزدوران یکی از اهالی این محله را زجر می‌گیرد. به دنبال وقوع این حادثه خشم فروخنده اهالی محله ورگشته و فردای آنروز اهالی ضمن اعتراض به این جنایت، به سازمان آب مراجعه کرده و با تجمع جلو آن خواستار رسیدگی به مسئله کمبود آب در محله شان می‌گردند. پاسداران جلو آنها را گرفته و مانع ورود آنها به داخل ساختمان می‌شوند، و از آنان می‌خواهند که به خانه های خود برگردند. در این میان یکی از اهالی با پاسداران مزدور درگیر شده و بقیه به حمایت از او برمی‌خیزند.

سرکرگمران مرتجع از تهریس جان خود با اقدام به تیراندازی از متضررین می‌خواهند که متفرق

شوند. ولی اهالی محله "کانس کوزه له" روی خواسته های خود پافشاری کرده و خواستار جواب می‌شوند و بعد از نزدیکی به دو ساعت مجادله و درگیری وینا به خواست مزدوران ۴ نفر نماینده برای صحبت با مسئولین انتخاب می‌شوند. آنان پس از مدتی گفتگو بدون نتیجه باز می‌گردند و به بقیه می‌گویند که هرچه که تا حالا کرده اند بعد از اینهم می‌کنند.

اهالی یا خشم و نفرت موقتا سازمان آب را ترک می‌کنند. هم چنین چندی پیش عده ای از زندانیان متنفذ که از جانب رژیم در ارگان های مختلف، بیکاری کشیده شده و از نیروی کار آنان جهت نظافت این ارگانها و از جمله دادگاه و ادارات وابسته به نیروهای نظامی استفاده می‌شود، دست به اعتراض می‌زنند. این حرکت انقلابی از سوی دیگر زندانیان درینستد مورد حمایت قرار می‌گیرد.

# انقلاب مشروطیت و دستاوردهای آن

روز چهاردهم مرداد ماه صراف با پیروزی انقلاب ضد استبدادی، ضد استعماری خلقهای ایران در آستانه قرن حاضر است. در چنین روزی و درست ۲۹ سال پیش از این بود که دربار متبذقاجاری تحت فشار توده های مردم مجبور گشت، فرمان مشروطیت را امضا کرده و به اولیوسن خوانده های پیروزی توده ها بر استبداد سیاه قرون وسطایی صدمه گذارد.

انقلاب مشروطیت بعنوان مهم ترین رویداد تاریخ معاصر ایران و آغاز آن رشته اتحولاتی است که در جامعه امروز ایران تکمیل آنها به عهده طبقه کارگرایان است و علیرغم گذشت نزدیک به یک قرن از نخستین جوانه های جنبش دمکراتیک توده ای در راستای منو نظامات کهنه و پوسیده و کلیه رشته های اصارت استعماری هنوز آن مهم ترین اهداف و اسامی جنبش مشروطیت در تحول یافته ترین شکل خود بعنوان اهداف عاجل انقلاب ایران در پیشاری مبارزه کنونی خلقهای ایران قرار دارد. هرچند در طی این سالها و در دوران افت و خیز روبه رشد مبارزه طبقاتی در جامعه کثیرالطبقه ایران، جنبش انقلابی و دمکراتیک توده ای، عرصه های وسیعی را پیشاروی خود گشوده است، ولی بدون تردید باید گفت سرفصل تعیین کننده مبارزات توده های اخیر همانا انقلاب ضد استبدادی ضد استعماری مشروطیت است که با قدرت توده ای و فراقیمر خود راه ترقی و پیشرفت، اجتماعی در ایران را هموار ساخت، هرچند به تحقق اهداف خود نائل نگشت و بعد از نزدیک به ۱۵ سال کشاکش خونین به قربانگاه شکست کشانیده شد، ولی در طول همان سالها چنان تکلیفی به جامعه ایران داد که یکبار برای همیشه خواب قرون وسطایی را از سر آن پراند و شاهراه ترقی اجتماعی را پیشاروی آن

باز گشود. در حقیقت از انقلاب مشروطیت سر آغاز ورود خنقهای ایران به مدنیت جدید و مبارزه برای تحولات اجتماعی است. در جهت ایجاد جامعه ای مدرن بود. این انقلاب آسریسه به موفقیت در حصول به اهداف خود نائل نیامد، ولی چنان بنیانی برای مبارزات آینده از خود برجای گذاشت که دیگر بازگشت به ارتجاع سیاه قرون وسطایی و یا آرام و بقیه وضعیت پر سیده حاکم را غیر ممکن می ساخت. انقلاب مشروطیت اگر چه تکیه خورد، ولی قبل از آن که از برای دراپد پایه های فئودالیسم و استبداد سیاه راه یوزه در آورده و ضربه کاری را به آن وارد نموده بود. وحدت همگانی میان خلقهای سراسر ایران را در مبارزات طولانی و خونین، تثبیت نمود. بود و مهر خود را بر تمامی ظواهر حیات اجتماعی ایران کوبیده بود. در انقلابی که بر ویرانه های این انقلاب سمر بر آورده، دیگر هرگز قادر نبود. جامعه را به قبل از این انقلاب برگرداند، و عرصه های را که انقلاب فتح کرده بود براختی از آن باز پس گیرد. این خصالت پایدار انقلاب مشروطیت در مبارزات سالهای آخر این انقلاب به یومدر جنبش های انقلابی گسترده در اقصی نقاط ایران و در شکل گیری تشکل های طبقاتی، خود را نمودار می ساخت، که هدفی آنها حصول رشد مبارزه طبقاتی و پیشرفت اجتماعی سیاسی جامعه ایران آن روز بودند، و از دل مبارزات سر سخت دوران انقلاب و از جریان عینی آن سر بر آورده بودند، و بیان تداوم چنین مبارزه ای بودند.

اما یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب مشروطیت، پیداری جنبش های ملی در جریان آن بود، که مدتها بعد از شکست این انقلاب و حاکمیت ضد انقلاب ارتجاعی امپریالیستی بعد از کودتای سوم ۲۹ اسفند، به

حیات خود ادامه دادند و بعد از سالها مقاومت و مبارزه قهرمانانه و در میدان مبارزه برای رهایی ملی از یگی درآمدند، یکی از قوی ترین و مهم ترین این جنبشها در کردستان بود که به جنبش اسماعیل آقا سکو معروف است. جنبشی که سالها در مقابل حکومت مرکزی و حتی در کانونی تازه به دوران رسیده ارتجاعی به مقابله برخاست و نهایتاً نیز بعد از شکست قطعی جنبشها، پراکنده در سراسر ایران جزو آخرین جنبشهای بود که با خشم و نیرنگ و با صرف هزینه های زیاد از سعی ضد انقلاب سرکوب گردید. هرچند ضعف درونی و رهبری غیرتستی این جنبش خود عامل مهمی در شکست آن بود، ولی سهم و تداوم جنبش ملی در کردستان چنان وحشی در ارکان ارتجاع حاکم انداخته بود، که حتی بعد از شکست آن و در دوران حاکمیت استبداد پهلوی نیز علاوه بر آنکه بیشترین ستم و تحقیر ملی در حق خلق کرد و جنبش ملی آن رزم داشته می شد، تبلیغات زهر آکین گسترده ای نیز علیه آن و به سوازات سرکوب خشن نظامی در کردستان، به راه انداخته می شد. و اغلب شهرهای کردستان تنها بعنوان پادگانهای نظامی برای سرکوب هرگونه جنبشی محسوب گردیدند و اکثر اصرای این رضاشاه ( و حتی بعدها و در دوره محمد رضاشاه پهلوی ) شایستگی در جنایت و سرکوب و سرسپردگی خود به دیکتاتوری ارتجاعی امپریالیستی را از طریق انجام مأموریت های سرکوبگرانه در مناطقی مثل کردستان به اثبات می رسانیدند. و در حقیقت یاد زن های رژیم پهلوی در اینگونه مناطق یکی از مهم ترین آزمایشگاه های ترفیص قصابان و جلادان خلقهای ایران بود. این امر نشان دهنده چیزی نبود، جز تیر و وحشت ارتجاع حاکم از شکله ور شدن چنین جنبشهای.

جنبش اسماعیل آقا سکو و تقارن آن با آخرین سالهای اوج انقلاب مشروطیت، برای اولین بار اثبات نمود که بحران سراسری جامعه ایران، بلافاصله با رتسای خود را در خیزش های ملی آشکار خواهد ساخت

از صفحه ۲۶

### حزب دمکرات...

قبای حزب دمکرات را به کجای این شب تیره بیاویزد... حزب دمکرات خواستار یک بدیل دمکراتیک است... پیوستن حزب دمکرات به شورای ملی مقاومت نیز به این امید بود که بمشور از درون بتواند شورا را بطرفی سوق دهد که از شرایط یاد شده برخوردار گردد... بصورت یک جانشین دمکراتیک برای رژیم کنونی درآید... لیکن متأسفانه معلوم شد که شورا نمی تواند بصورت جانشین دمکراتیک درآید که رژیم خمینی را سرنگون سازد و آرمانهای دمکراتیک خلقهای ایران را متحقق سازد.

بگذریم از اینکه از این صبارزات پشت پرده مورد ادعای حزب دمکرات یا شورا در جهت دمکراتیزه کردن آن کمی صبر در نیاورد... چون تشریح جاهد همان موقع مسمی شد منظور حزب دمکرات از دمکراتیزه کردن شورای طی مقاومت پذیرش امثال مدنی ها و نزه ها به شورا بوده است و حزب دمکرات هم البته دیگر صدایتر در نیامد... صورت تشریح کوردستان حزب دمکرات ظاهرآ ترجیح میدهند بر این وادی فعلاً سرگردان بماند تا روزی که ایر سازمانی پیدا شود و برنامه ای باب میل حزب دمکرات را پیش رویش بگذارد و امدهای او را برآورده نماید... تشریح کوردستان ادامه می دهد:

به اقتدار حزب دمکرات کوردستان ایران، لزوم تشکیل یک جانشین دمکراتیک امروز از هر وقتی بیشتر است... چنانچه نیروهای چپ و دمکراتهای انقلابی... ضرورتی را بخوبی درک نمایند، می توانند تنگ نظریها

و محدود نگریهای سازمانی را به کناری بگذارند و با در نظر داشتن مرحله کنونی انقلاب ایران برنامه مشترکی تدوین کنند و اقدام به ایجاد یک بدیل دمکراتیک نمایند.

تشریح کوردستان در آخر برای تأکید بیشتر به ضرورت چنین آلترناتیو دمکراتیکی می پرسند:

حال که سازمان سازماندهی و نظم بخشی خیزتر توده ها فرا رسیده است، آیا بهتر نیست تفاهدهای

جنبی به کناری گذاشته شوند؟ و تمامی قدرت

و توان مبارزان راه آزادی خلقهای ایران بـهـر سازماندهی نیروی عظیم توده ها بکار گرفته شود؟ (تأکیدها از ما)

تشریح کوردستان حزب دمکرات علیرغم آنکه برنامه همه نیروها را مورد توجه می شمارد اما هرگز مشخص نمی کند، با کدام بخش از این برنامه ها و چرا مخالف است... برنامه خود او چیست؟ البته از سرآی مطالبه تشریح کوردستان چنین پیدا است که حزب دمکرات به مثابه یک جریان منطقه ای خود را صالح نمی داند در این باره اظهار نماید یا برای تسل جنبش برنامه بدهد.

اما اگر بر سیاست ها و عملکرد امروز حزب دمکرات بیشتر دقیق شویم، روشن می شود که این بی برنامهگی و کناره گیری خوفمانه حزب دمکرات چندان هم بدون حکمت نیست... حزب دمکرات در حقیقت با تمسک به محدود و منطقه ای بودن فعالیت حزب دمکرات، خود را از شر هرگونه مسئولیتی خلاص می کند، تا بتواند هر اقدام غیر مسئولانه و هر عمل ضد دمکراتیک خود را به گردن دیگران بیاندازد... آخر در شرایطی که نه چشم انداز روشنی نسبت به آینده وجود داشته باشد، نه آلترناتیو دمکراتیکی که بتوان به آن چسبید و نه آینده تابناکی که بشود به امید آن حیات

سیاسی آبی خود را تضمین کرد، چه تضمینی بسرای آزادی ها وجود دارد و پافشاری روی دمکراسی به چه درد حزب دمکرات می خورد! اگر آب نباشد که حزب دمکرات نمی تواند ثابت کند شناگر ماهری است! اگر چشم انداز دمکراتیکی وجود نداشته باشد دفاع از دمکراسی بوی حزب دمکرات آینده ای ندارد! پس باید چشم انداز دمکراتیکی بیخرو باشد تا حزب دمکرات ثابت کند، دمکرات پیگیری است، و گرنه با این چشم انداز به زعم حزب دمکرات تیره و تار که حد اعلایش شرایط برای سلطنت طلبان و حکومت طلبان دیکتاتور بدتر از خمینی هموار می گردد، آیا دفاع از دمکراسی فردا کفاره ندارد و یقه آدم را گیر نمی اندازد؟ آیا دست زدن به اقدامات دمکراتیک در این فردای تیره و تار مسئولیت دای خطیری در بر ندارد؟ قطعاً چرا! فقط یک جو واقع بینانه و آینده نگری می خواهد که حزب دمکرات بفهمد برای همزانی با فردای آینده در کدام جهت باید شنا کرد!

حزب دمکرات اگر برای آلترناتیو دمکراتیک انحصاری خود یک گونه چشم اختار قائل بود آیا به خود جرأت می داد که مدعی شود کوردستان مان بی ماحمی نیست؟ اگر حزب دمکرات به آلترناتیو دمکراتیک خود اعتقاد داشت آیا جرأت می کرد از پیشمرگان انقلابی دیگر جویانات سیاسی بخواهد که برای مبارزه با مزدوران برونویژ رژیم جمهوری اسلامی از دست سیاست حزب دمکرات بگریزند؟ قطعاً خیر، چون کدام آلترناتیو دمکراتیکی است که در فردای آینده از حزب دمکرات حساب و کتاب نخواهد کرد... کلام آلترناتیو دمکراتیک و حکومت توده ای است که فردای بدست گرفتن قدرت، حزب دمکرات را به خاطر پافشاری های بیشتر روی ادامه درگیریهای قهرآمیز کنونی یا کومه له و تن ندادن او به آتش پس به صلابه نشاند؟ کدام آلترناتیو دمکراتیکی است که فردا سر را از ماست نشاند و کارنامه هر جریان سیاسی را نه بر

از صفحه ۱

انتخابات ریاست جمهوری ...

اجتماعی و سیاسی حاضر و انعکاس گیری آن در صفوف سرتجمعین حاکم است.

این انتخابات اگر چه مطلوبیتی برای جناح های مخالف خود ندارد، در عین حال همین عدم مطلوبیت خود، مطلوبیت دیگری بنوعی که گسل حیات رژیم به آن نیاز دارد، ولی روند قطعی حوادث آشکار خواهد ساخت که پایان انتخابات، آغاز مجادلات جدیدی در صفوف منتقدان رژیم خواهد بود. این واقعیت را خود تعداد آرای که به حساب خامنه ای کارسازی شد نیز گواهی می دهد. عدم اختیارات ریاست جمهوری برخلاف گدایه ها و درخواست های ماجزانه خامنه ای در سخنرانی های انتخاباتی خود، نه تنها بیشتر نخواهد شد، بلکه هر چه بیشتر کاهش نیز خواهد یافت و این مقام تشرفیاتی در یوتو قدرت

فائده جناح رفنجانی، صلا هر چه بیشتر به زائده ای تشریفاتی غیر قابل زکری در صادرات سیاسی آینده رژیم، تبدیل خواهد گشت. در غیر این صورت به کشاکش هر چه عریان تر میان جناح های داخلی رژیم منجر خواهد شد.

انتخابات رژیم یک نمایش مضحک بود که یک خیره شب بانهی کهنه و تکراری بود، اما همین خیره شب بانهی نیز در فقدان حضور بخشی از کارگردانان اصلی سیاست های رژیم، دیگر خود مقدمه کتاهی بود بر آنچه که باید در روزهای آینده به نمایش گذاشته شود. در عرصه واقعی قدرت در درون جناح های رژیم خود را بر مسلط سازد. تلاش کلیت رژیم برای سرپوش نهادن بر این تشتت گسترده در صفوف خود، تلاش عینی بود که از همین امروز شکست آن قطعی است. این تشتت در صفوف حاکمان ارتجاعی جمهوری اسلامی که در انتخابات حاضر نیامد، صی رژیم

صروفی کمان آن بود، محصول اجتناب ناپذیر حیات بحرانسی و متفوق آنها در برهه کشویی و نشانه ضعف و زیرونی رژیم در غلبه بر بحران موجود در تمامی عرصه ها و بی تمسادی خود آنها به پایه های لبرزان قدرت خویش است که هر روز و هر ساعت در معرض تهاجم گسترده تر توده های کدگر و زخمکن در انتخابات خامنه ای سرپوشی بر تناقضات درونی رژیم بود که بروز بیرونی این تناقضات را موقتاً به عقب می انداخت، در عین آنکه قادر نبوده بود نیست از شدت و حسد آن بگشاید و در عین حال بر ابعاد آن می افزود. تناقضاتی که خود محصول بحران اقتصاد، سراسر ایران قرار دارد و شدت روز افزون بحران کنونی، امکان هرگونه تجدید قوای را از آن باز متانده و تمامی تدابیر و سیاست های سرگورانه او را در مواجهه با قدرت جنبش انقلابی توده ها با شکست قطعی مواجه ساخته است.

از صفحه ۹

درگیریهای حزب و ...

گذشته را نه از تانخچه و نه از وجودی این درگیریها بلکه از

عواملی که منجر به گشتاده می گیرد که نسبت به گذشته به خودی خود بیجان هیچگونه تغییر اساسی و کیفی نیستند. باید گفت که وضعیت کنونی حاکم بر عرصه سیاسی کردستان، آرامه بلاانقطاع وضعیت گذشته و تکامل عینی آن است و امروز این گذشته است که خود را بر حال حاکم گردانیده است و نه آینده. راه آینده از پامانخ روشن و مشخص به معضلات کنونی می گذرد تا دل مشغولی به این یا آن برخورد سطحی به مسائل گرهی جنبش کاری که پانجم کومه له عملاً جز آن نگردیده است. و در عمل نه تنها سیاستی را اعلام نگردیده است که بیانگر درک عینی از مسائل امروز جنبش باشد، بلکه با توقف در طواصیر قریباً به قریبه سازی های کاذب و کلی دست پانزده است.

ما در صلحت آینده بنا تامل روی اهداف، شعارها و خواستههای سیاسی مطرح شده از جانب طرفین که مورد تکیه کومه له در تمایز درگیری کنونی با درگیری های گذشته است و ریشه یابی همین شعارها و سیاست ها در دیروز و امروز خود، ضمن واقعی سیاست های موجود پشت این درگیری های خونین، و نقاط اشتراک و افتراق آنها را بیشتر روشن خواهیم ساخت تا روشن شود آن اختلاف واقعی و نه صوری موجود در سیاست های طرفین در کجاست و چرا کومه له در صورت بلغموم خود از برخورد با آن ابا داشته است؟ و از ارائه دلایل واقعی چنین درگیری هایی و در نتیجه از پاسخ به این که چه ضرورتی قطع آنها را الزامی می سازد؟ طفره رفته است؟ آیا جنگ کنونی ضرورت و محصول اجتناب ناپذیر روند رشد جنبش کنونی است یا در تقابل آشکار با چنین ضرورتی است، و سیاستهای پشت این جنگ تا چه حد در انطباق یا عدم انطباق با چنین ضرورتی هستند و نقاط اشتراک آنها در این راستا کدام بوده و هست؟

جواباید درگیر با صلح گردند ۱۰۰۰

از صفحه ۱۲ بر دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد و اهداف پیرو زمیندان، تنها سیاست اصولی و انقلابی در شرایط کنونی در جنبش انقلابی خلق کرد است که هرگونه روابط گسترده فیما بین نیروهای سیاسی فقط در چارچوب آن ضرورت و همین مسیر و صلح نیز هست که صدف مدافمین ضائق حیاتی جنبش انقلابی خلق کرد و تمدوم قدرتمند آن را از رف مدافمین تمدوم درگیریها و در نتیجه زیر پا نهادن منافع و اهداف جنبش کنونی و ایجاد رخنه در صفوف آن تمایز می سازد.

گواهی باذخاط صوه  
نهادی مرداد ماه کردستان  
رئسای دناش:

- ★ یوسف کیش زاده مرداد ۵۸
- ★ سعید جعفری مرداد ۵۸
- ★ هرمز گرجی بیانی مرداد ۵۸
- ★ جواد کاشی مرداد ۶۱
- ★ ابوالقاسم رشوند مرداد مرداد ۵۸

( ادامه دارد )



از صفحه ۲۶

## انقلاب مشروطیت

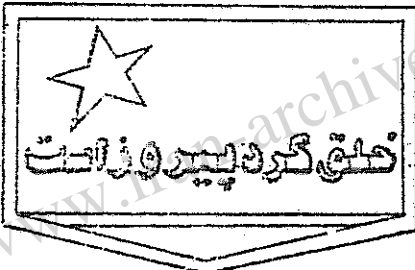
کما اینکه عین همین تجسده در سالهای بعد از شهریور ۲۰ و سقوط دیکتاتوری رضاخانی، یکبار دیگر در آذربایجان و کردستان با قدرت تمام تکرار گردید و پیروزی در دوران مبارزه برای سرنگونی رژیم محمد رضا شاه و بعد از سرنگونی آن، قانونمند بودن خود را به اثبات رسانید. که سرنگونی شاه صدارت گشت با شروع گسترده جنبش ملی در اکثر مناطق ملی و پیروزی در کردستان که ادامه آن همین جنبش امروز در کردستان است.

این امر یعنی تقارن رشد و گسترش جنبش های ملی به موازات انقلاب مبارزات برابری توده ای در ایران، یکی از اولین و مهم ترین تجارب انقلاب مشروطیت بود که تاکنون به آن بهای چندان داده نشده است. دستاوردی که رحمت و امولیت آن را:

مبارزات سالهای بمبارد از مشروطیت و در برهه های مختلف به اثبات رسانیده است. دستاوردی که اساس آن را وجود پیوند ناگسستنی در مبارزات سراسری همه خدقهای ایران در مقابل با دشمن متعصب و آن غلطی که متختری طبیعی یکی از تبعات وجودی آن است، تشکیل می دهد. امروز همی که تجربیات جمهوری اول و جنبش کنونی ریح و حقیقت آن را کاملاً به اثبات رسانیده است.

در بزرگداشت سالروز انقلاب مشروطیت ۱۰۰۰ با آرزوی از دستاوردها و تجربیات آن مبارز قهرمانی توده ها در مقابل با استبداد سیاه فئودالی و استعمار امپریالیستی را گرامی داریم.

\* \* \*



## حزب دمکرات

از صفحه ۲۳  
امام گفتایش بلکه در کردستان طاقوت جمهوری عظیم توده های مردم نگه ندارد؟

حزب دمکرات امروز از نیروهای بوقی، چپ و انقیابی می خواهد که متحد نظرها و مندوب نگرینهای گروهی و تضادهای جنبی را کنار بگذارند و تمسکی قدرت و توان مبارزان را در راه آزادی خلقهای ایران به کار گیرند.

اما سرگ حق است برای همایسه، حزب دمکرات نمی گوید درگیریهای خونین او با کومه له و عمده کردن تضاد جنبی در کردستان تا چه اندازه امروز توانائی و قدرت جنبش خلقی کرد را از آن سلب نموده است و نقش حزب دمکرات در آن چیست؟

اگر حزب دمکرات به اکثریت دیگری غیر از اکثریت دمکراتیک خود باور نداشت، آیا برای اثبات بی اعتقادی خود به دمکراسی این اندازه شتاب به خرج می داد؟

\* \* \*

### خنایم بدست آمده

۱۶۵	جنگ افزاران
۴۸	اتواع نارنجک
۲	سی صیم
۱۹۶۸۰	انواع فشنگ
۳۲۲	خواب
۶۰	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۵	تجهیزات سنگین و نیمه سنگین
۲۹	تجهیزات فریب خوردگان

آمار این جدول عمدتاً از اسرار رادیه های حزب دمکرات و توسط بر گرفته شده است.

### تلفات دشمن

۵۲۵	کشته و زخمی
۲۲	اسرای دشمن
۳۶	خود رو خنایم یا مصادره شده
۶	سلاحهای منهدم شده
یک انبار	مهمات منهدم شده

جدول یک ماهه  
ظلمات چریکها  
خلق کرد

۲۷ تیر ۲۷ مرداد

### عملیات پیشمرگه

۱۵	کیم و کنترل جاده
۲۴	صین گذاری
۳۱	مقابل در برابر بدوش دشمن
۱۷	حمله به مراکز در شهرها
۳	خنج سلاح پایگاه
۶	مصادره و انهدام تاسیسات
۲۵	حمله به پایگاهها
۱۲۱	جمع

شهدای پیشمرگه

۳۱ شهدای اهالی بی دفاع

سازمان و توبی پروتته و دی شور شگیرانده ی گولی گورد

# اخباری از جنبش توده‌ای

صفحه ۱۳

## برخی ملاحظیات

### حزب دمکرات

### آلترناتیو دمکراتیک

نشریه کردستان ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات در شماره ۱۰۵ سردار ماه خود بحث مفصلی را به نبردهای مختلف سیاسی اختصاص داده و تحت عنوان "آلترناتیو دمکراتیک" به سه سنگین کردن هر یک از آنها پرداخته است.

نشریه کردستان حزب اگر چه در این بررسی، وزنه سنگین را به آلترناتیو ضد انقلاب طلعت طلب داده و خطر آنها را عمده کرده است اما ظاهراً از همه نیروها قطع امید می‌کند و می‌نویسد:

"نیروهای ترقی خواه نیز هر یک بر راستای سیاست خود و با در دست داشتن شعارهای ویژه خود، هر کدام برنامه خود را به عنوان بهترین برنامه برای شرایط کنونی معرفی می‌نمایند"

نشریه کردستان که معطل مانده است بالاخره در صفحه ۲۳

## گواهی یاد خاطره فدائی شهید رفیق جواد کاشی

رفیق جواد کاشی - نمونه به شایستگی - هائی که داشت به کاندیداتوری عضویت سازمان درآمد و فرماندهی نظامی دسته های عملیاتی پیشمرگان فدائیی به وی سپرده شد رفیق در جریان خلع سلاح گروه ضحرت پایگاه حرم مقبره به شهادت رسید.

فدائی شهید، رفیق جواد کاشی، مبارز خستگی ناپذیر راه سوسیالیسم، پیشمرگ آگاه و جسور سازمان با مسئولیت از بهمدارگریهای نظام سرمایه داری به با پیوستن به صفوف سازمان علیه این نظام پراخت و با کیت آگاهی مارکستی ملنیستی به کوشش و زحمت مبدل گشت.



شهادت ۳۰ مرداد (۱۳۶۱)

## وادیو صدای فدائی

امواج کوتاه دینهای ۶۵ و ۷۵ متر ساعات ۸٫۵ بعد از ظهر و ۱۲٫۵ روز بعد

خلق کرد پیروز است جدول یک ماهه علیات پیشمرگان خلقی کرد از ۲۲ تیر تا ۲۲ مرداد صفحه ۲۵

## نگاهی کوتاه به زندگی آوارگان بمباران های هوائی در شهرهای کردستان

### اعتراضات توده‌ای علیه جنگ ارتجاعی

اقام بیماری ها و نهایتاً مرگ قرار داده است. در همین رابطه رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود، برای آنکه اشباع جاری را عادی جلوه داده و بتوانند توده های زحمتکش و ستمدیده را به کوشش دم توب سرمایه داران

صخت و جانفروسانی بر می برند. فقر و گرسنگی کمبود مواد فذائیی و دیگر مایحتاج اولیه زندگی، نبود لوازم اولیه بهداشتی و امکانات درمانی جان هزاران انسان بی دفاع را در معرض خطر

ارتجاعی دولتیمن ایران و عراق و به ویژه قربانی سیاست های جنگ طلبانه و پان-اسلامی رژیم جمهوری اسلامی می باشند هم اکنون بدین هیچگونه سرنامی در شرایط

و انیسومی از اهالی زحمتکش این مناطق مجبور به ترک خانه و گاشانه خود شده و آواره کوهها و روستاهای اطراف شهرها گشته اند این آوارگان خانه بدوش که قربانی جنگ

به دنبال ان گیری جنگ ایران و عراق و بمباران های هوائی بی دریغی بسیاری از شهرهای ایران و از جمله شهرهای غرب کشور شدت آسیب دیده و